

ضد انقلاب در تدارک توطئه بزرگ جدیدی است

میتوان و باید با هشیاری، آمادگی و اتحاد خلق توطئه جدید ضد انقلاب را نیز درهم شکست



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۰۹
یکشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۲۰ ریال

واقبت است و این چشم و مغز و دست میلیونها مردم کشور مسئولان مملکتی است که باید با احساس مسئولیت کامل از انقلاب پاسداری کنند، دهنهای خطر را از سر راه آن بچینند تا انقلاب امکان پیشروی و بالندگی یابد و بر زمین محکم با گامهای استوار قامت برافرازد.

بگذرد و به منزل مقصود برسد. ماجرای توطئه‌های امریالیستی علیه انقلاب ایران افشاء نیست، بلکه

هزاران نام خطر، که امریالیست‌ها بر سر راهش تمهیه کرده، سلامت امریالیست‌ها را تهدید می‌کند. بر اساس توطئه‌های امریالیستی علیه انقلاب ایران افشاء نیست، بلکه

انقلاب ایران هنوز ۶ میلیونها چشم هشیار و مستبای بر سر راهش تمهیه کرده، سلامت امریالیست‌ها را تهدید می‌کند. بر اساس توطئه‌های امریالیستی علیه انقلاب ایران افشاء نیست، بلکه

هشدار!

طبق اطلاعات موثقی که بدست ما رسیده، عوامل ضد انقلاب وابسته به گروه بختیار، کارت‌شناسانی سیاه با مداران راجل کرده و در اختیار برخی از افراد خود گذارده‌اند.

ما توجه سیاه با مداران، دادستان کل کشور، دادستان کل دادگاههای انقلاب و تمام ارگانهای دولتی و بخصوص مردم رابسموع استفاده‌ای که ضدانقلاب از این راه بعمل

آورده جلب می‌کنیم. مردم و بخصوص شخصیت‌هایی که با مبارزه آذنی - ناپذیر خود با ضدانقلاب، در معرض کینه خائنان ضدانقلابی قرار گرفته‌اند، باید هشیار باشند تا در دام این با مداران تلافی، که ممکن است آنان را بپوش «کمینه» به قتلگاه بپوشانند، نیفتند. در اتومبیل‌های آنان «سوار نشوند» و اگر آنان خواستند بزور متوسل شوند، از مردم استمداد نکنند.

انقلاب ایران، انقلاب خلقی و سرزمینی فقیر از نظر ثروت‌های مادی و معنوی و یارخدای کم اهمیت در گوشه دورافتاده‌ای از جهان پنهان نیست، که امریالیست‌ها بتواند آنرا سرسری گیرد و از آن بلاغی بگذرد. انقلاب ایران تنها منافع سیاسی، اقتصادی، نظامی و استراتژیکی امریالیست‌ها را در کشور زرخیز و نفت‌خیزی که هزاران کیلومتر مرز مشترک با دشمن شماره‌زنه امریالیست‌ها دارد، به خطر افکنده است، بلکه تهدیدی است جدی برای کل منافع امریالیست‌ها در منطقه حسی از جهان، که امریالیست‌ها با آن ذات تجاوزگر و غارتگر و مستکبر خود، نمیتواند آنرا شوخی بگیرد. از اینجاست که امریالیست‌ها همه راههای مشروع و نامشروع «قانونی» و غیرقانونی را هم که به منظور انحراف انقلاب از مسیر ضدامپریالیستی و خلقی آن و هم برای سرکوب و درهم شکستن آن بکار گرفته است.

اسلام آمریکائی، امام را «تکفیر» میکند!

شواهد و واقعیات، حکایت از توطئه تازه امریالیست‌ها علیه انقلاب ایران و باین واقعیت امام خمینی و مسئولان مملکتی هم اشاره کرده‌اند. امام خمینی در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر توطئه‌های امریالیست‌ها علیه انقلاب ما تاکید کردند و ضمن تکیه بر این تکیه که امریالیست‌ها کاری از پیش نخواهد برد، توصیه میکنند که:

کنند، برای اینکه اصول خلقی و انقلابی آنرا زیر پای بگذارند. ولی زندگی شاهزادگان سعودی، با همه ادعای «اسلام» بودن دولستان، با بزرگترین سرمایه‌داران امریکائی فرقی ندارد. «اسلام» نه تنها در عربستان سعودی، بلکه در بسیاری از کشورهای اسلامی منطقه، که مدعی «اسلامیت» هستند، مانند مصر و پاکستان و مغرب و... دستاویز استثمارگران برای اسارت‌مادی و معنوی است.

سعودی در آسیا تا تونس و مغرب را در آفریقا، از سرنوش و آینه خود نگران ساخت. «اسلام» در ایسن کشورهای بخصوص در عربستان سعودی و پاکستان، به دستگیرهای ایندولوزیک برای حفظ سلطه دیکتاتوری سرمایه‌داران و فئودالها تبدیل شده است. با دستان عربستان سعودی، بدلیل موقعیت جغرافیائی کشورشان، که اماکن مقدس مسلمین در آن سرزمین قرار دارد، خود را حافظ «کیان» اسلام میدانند و مدعی آنند، که «اسلام» اسیل بدان تعزیر که در قرآن و سنت پیامبر آمده، تنها در عربستان سعودی حکمفرماست. آنها برخی از ظواهر احکام اسلام، از قبیل شلاق‌زدن به زنان را بزرگ دست دزدان و غیره را بزرگ می-

هیزا اسکندری و دهها نفر دیگر نیز «تکفیر» شده‌اند. «دوعاظ السلاطین» مرکز حریه رشد آگاهی مردم، حریه «تکفیر» پیوسته کندتر میشود. امروز می‌بینیم که بار دیگر امریالیست‌ها امریکا به کمک امریالیست‌ها کهنه کاران انگلستان این حریه زنگزده را بیرون کشیدند و بر ضد ایران انقلابی بکار انداخته است.

کوبیدمانند، در دورانی که پای استثمارگران اروپائی بکشورهای اسلامی باز شد و «دوعاظ السلاطین» به خدمت حکمرانان تازه درآمدند، «تکفیر»، این حریه ناچوانمردانه خود را نیز در اختیار آنان گذاشتند. سیدجمال‌الدین اسدآذینی که بحق او رانختن شخصیت‌سیاسی-مذهبی مبارز علیه سلطه استثمار بر جهان اسلام میدانند، در معرض «تکفیر» قرار گرفت و پسران آنرا را بدستور ناصرالدینشاه خونخوار، چون «کافر»، که حتی علامت‌ستند اسلامی بر اندامش نبوده، از ایران تبعید کردند. سیدمحمد طباطبائی و سیدمحمدالله بهبهانی از رهبران جنبش مشروطه‌رانی «دوعاظ السلاطین» تکفیر کردند. شیخ محمد خیابانی، سلیمان

هنگامیکه مفتیان تیرمدل خشک سر، هزارسال پیش بوعلی‌سینا، این چیره تابناک تمدن اسلامی را اختار ابدی خاورزمین را «تکفیر» کردند، وی دریاخشان این رباعی‌معمار را سرود:

کفر چو منی کزاف آسان نبود محکمت از ایمان من‌ایمان نبود در دهر چو من یکی و آنهم کافر پس در همه دهر یک مسلمان نبود

آری، اگر بوعلی‌سینا روح‌الله خمینی گرفتند، در همه جهان مسلمانی نبوده و نیست. «تکفیر» در تاریخ خلقهای مسلمان سابقه شومی دارد. هر جا عالمی، آزاداندیشی، مبارزی سر بلند کرده است، سرار را «دوعاظ السلاطین» با چاق تکفیر

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در بیانات خود به‌نگام برگزاری نماز عید فطر مردم را به هشیاری فرا میخواند و میگوید:

مردم از قاطعیت انقلابی دادگاهها پشتیبانی میکنند

مخالف معین لیبرال با شمارش نظیر: دین اسلام، دین رفت و تطوف است. بر مقامات مسئول اعمال فشار میکنند و فریاد بر سر راهش بلند می‌کنند. نتیجه فعالیت این مخالف آن شد که عناصر سرشناسی از رژیم پیشین آزاد شدند، که اکنون نفرتی از آنان مجدداً بازداشت شده‌اند و گروه گروه اعضاء و کارمندان مؤثر ساواک و افسران وفادار به رژیم پیشین از زندانها بخانه‌ها بازگشتند، که با به‌خارج کشور فرار کردند و یا به‌شیکه سیاسی و نظامی ضدانقلاب در داخل کشور پیوستند. هر قسمی رضائی، فرمانده سیاه پاسداران در این باره می‌گوید:

شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی مرکز، ۱۵ نفر از شرکت‌کنندگان در توطئه کودکی ز قرام همدان را، همراه با رئیس سابق زندان اوین، نماینده ساواک در ایمان ستو و کلیه کنفرانسی امنیت در امریکا و فلسطین اشغالی و بزرگ‌مدیر کل بانک مرکزی ایران را در دوران طاغوت به‌اعتدال محکوم کرد و حکم به اجرا درآمد.

روند کار دادگاههای انقلاب، که بویژه پس از کشف دو توطئه امریالیستی یار دیگر قاطعیت انقلابی خود را باز یافته است، مورد پشتیبانی و تأیید مردم است. دادگاهها چندماهه پس از پیروزی انقلاب بتدریج کارشان به‌سمت گرایشید و افراد سرشناسی از وابستگان رژیم پیشین، یابی سرودها از زندانها رها شدند و یا احکام صادره درباره آنان بی‌پیچوجه با میزان جرمشان متناسب نبود. آزادی سیاسی و فرسجی و حکم‌زدان شیخ‌الاسلام زاده و خوش‌گیش نمونه‌ای از تسامح کار دادگاهها در آن دوران بود، که با اعتراض عمومی مواجه شد.

روند مهم تاریخی است و نه ایجاد دشواریهای تازه از راه ترویج خودسری و غائله‌سازی. جو انقلابی موجود در کشور، در عین هوشیاری دائم و قاطعیت‌بگیر در مقابل توطئه‌های مدار امریالیست و ضدانقلاب داخلی، باید متوجه نوسازی بنیادی جامعه و تحکیم نظام جمهوری اسلامی باشد.

به خودسری‌ها باید پایان داده شود

خودسری‌های بعضی اشخاص، گروهها (که اغلب از چند نفر انگشت‌شمار تجاوز نمیکنند) وقتی بضم مقامات مسئول هنوز ادامه دارد اغلب این گروه‌سریا که به تردیده زبان انقلاب شکوهند ایران و به نفع دشمن اسلر آن، امریالیست امریکاست، زیر نام مردم صورت میگیرد. در صورتیکه مردم رژیم خودسری ایران بکلی با اینگونه خودسری‌ها، تحریکات و غائله‌سازیها مخالفتند، آنها با درک عمیق وضع کشور به‌پاس جرم انقلابیون نظام جمهوری اسلامی ایران، که با اعتقاد و ایمان راسخ بدان رای داده‌اند، برای احتراز از هرگونه درگیری و ایجاد تشنج، به امید اجرای قوانین کشور توسط مقامات مسئول، ارگانهای اجرائی دولت و نهادهای انقلاب هستند.

اکنون در دشوارترین شرایط توطئه‌های گسترده و پی در پی امریالیست و ضدانقلاب پیرودهانش علیه ایران و علیرغم همه این دشواریها، نظام نوین جمهوری اسلامی ایران، که از دستاوردهای عمده انقلاب شکوهمندمان برهبری امام خمینی است، در حال تکوین و شکل‌گرفتن است. وظیفه اصلی هر فرد، گروه، حزب، سازمان و نهاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، که واقعا در دست انقلاب و در خط امام است، کمک سازنده‌باین

ما اعلام جرم خود را علیه صادق قطب‌زاده تکرار می‌کنیم

اطلاعات خوبی درباره این توطئه بدست مسئولان مملکت رسیده است و ماوران و کسانی که باید این اطلاعات را دنبال کنند، سر نظها را تقییب میکنند و تا بدست آمدن نتایج خیلی روشن از دادن اطلاعات خیلی بیشتر معذور هستیم. بیانات صریح امام خمینی وسایر مقامات مملکتی، بیانگر این واقعیت است که توطئه تازه امریالیست آمریکا علیه انقلاب جدی است. جدی بودن مسئله، هنگامی عمق

ادامه داده است، و از آنجا که متأسفانه تاکنون از جانب مقامات مسئول درباره اعلام جرم حزب توده ایران علیه آقای صادق قطب‌زاده، واکنشی دیده نشده است، لذا بار دیگر اعلام جرم خود را تکرار می‌کنیم و از دادستان کل کشور می‌طلبیم که به این اعلام جرم هرچه زودتر رسیدگی بعمل آید.

در تاریخ ۱۵ آبرماه ۱۳۵۹، از جانب حزب توده ایران علیه آقای صادق قطب‌زاده، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، بسبب ناسزاها، افتراها و توهین‌های مکرر ایشان به حزب توده ایران و مسئولان آن، اعلام جرم شد.

از آنجا که آقای صادق قطب‌زاده، پس از این اعلام جرم زودتر همچنان به ناسزاها، افتراها و توهین‌های خود به حزب توده ایران

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

روش قطب‌زاده برای منافع ملی ایران خطرناک است

روزها مدام با نیت لنگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه سخن می‌شنود. بنظر صادق قطب‌زاده خطاب به وزیر خارجه اتحاد شوروی محتوی نامه را شدیداً بیاد اتحاد گرفت و نوشت قطب‌زاده سیاست شوروی در مورد ایران را تحریف کرده و

روزنامه لومنتیه می‌نویسد سخنان قطب‌زاده در مورد حزب توده ایران لاذع و اراجیفی بیش نیست و اعضا حزب توده ایران در مصفاهدار روزندگلان علیه رژیم شاه تیرد کرده و بعضی از اعضای حزب ۲۵ ساله و بیانشتر در سه‌ماهه‌های شاه مشروع یسرد برده و مقاومت کرده‌اند.

اسلام آمریکائی

بقیه از صفحه ۱

تسا در اسلام، بلکه در تمام ادیان دیگر نیز آشکارا بیستم می‌خورد. پس از آنکه انقلاب ایران پدیدآورده خود را اسلام مستفغان اعلام کرده در تمام کشورهای اسلامی عقیقت شده اسلام خمینی دیرباز اسلام سمودی و اسلامی نظیر آن قرار گرفت. امیرالیه‌های آمریکائی کوشیدند با استفاده از توطئه‌های ضدتعالیمی که در افغانستان برانگیخته بودند تمام اسلام‌ها را زیرشمار محذوف با کمونیسم تحت سطر خود جمع کنند و از آن برای ادامه غارت و استثمار ترزوهای کشورهای مسلمان و خصوصاً نفت استفاده نمایند اما این حنای آفان نگرفت. انقلابیون کشورهای اسلامی و در ایران در دام این حیلله انگلور-امریکن نیفتادند و آنرا اسلام امریکائی خواندند و محکوم کردند. اسلام خمینی صفا و بی‌آلایش خود را حفظ کرد و هیچ قیمتی حاضر به مصالحه با اسلام امریکائی نشد. چاره‌ای برای امیرالیه‌های انگلیسی و امریکائی باقی نماند، جز اینکه اسلام خمینی را منفرد سازند و از نفوذ این اسلام در کشورهای زیر سلطه خودشان جلوگیری کنند. اینک ما شاهد یک صحنه‌سازی مغرورانه امیرالیه‌ها برای محاصره ایندولوزیک انقلاب ایران هستیم. امیرالیه‌ها تمام ابزارهای خود را بکار انداخته‌اند و ما را در محاصره اقتصادی، سیاسی، نظامی گرفته‌اند. تنها محاصره ایندولوزیک مانده بود که آنرا هم اکنون آغاز کرده‌اند. جلادان بشری رابختم گرفته‌اند که بر سر پاسداران انقلاب بمب و خیماره بریزند و عملیای مغرب‌پزیرانکینت‌اند که از جوامع اسلامی بخواهند چون تن واحد برشد خمینی، که منکر روحانیت‌تالی و رسالت محمد پیامبر اوست (نقل از لومنتیه شماره ۷ اوت ۱۹۸۰) قیام کنند. عملیای نادان و مغرض مغرب از روی نوشته‌های روزنامه‌های کویت و عربستان سمودی، «فتوای شرم‌آور

خود را درباره «تکفیر» امام خمینی صادر کرده‌اند.

این نوکران سرسپرده سرمایه، که با پول پادشاه سمودی و بسود راهزنان امریکائی و انگلیسی «فتوا» صادر می‌کنند، اگر ندره‌ای به اخلاق و آنچه در کتب معتبر اسلامی درباره شرایط انتساب «کفر» یک مسلمان آورده شده است، پای بند بودند، بر حسب وظیفه اخلاقی و شرعی خود موظف بودند قبل از آنکه «فتوای» ندین خود را صادر کنند، به شخصی امام خمینی مراجعه کنند و از او درباره آنچه گفته است توضیح بخواهند و پس از آنکه یقین حاصل کردند که او منکر روحانیت الهی و رسالت محمد پیامبر اوست، به «تکفیر» او «فتوا» بدهند. روشن است که این توطئه بیشتر ساخته را جاسوسان امریکائی و انگلیسی طرح ریزی کرده‌اند و اجرای آنرا به نوکران سمودی و کویته خود واگذار نموده‌اند و آنها نیز عملیای مغرب را انتخاب نموده‌اند که «بیطرف‌تر» باشند و چنین وانمود کنند که گویا تنها بخاطر دلشوزی برای اسلام و نه برای میلیاردها دلاری که اسلام سمودی و کویته به ملوک و شیوخ دست‌نشانده واربابان امریکائیشان سود می‌رساند، حکم «تکفیر» امام خمینی را صادر کرده‌اند. جالب آنکه عملیای مغرب مدعی هستند که امام طبق مقتضات شیعیان باید «کافر» شناخته شود. عملیای سنت‌نشانده و امام شیعیان را بوجوب احکام شیعیه محکوم می‌کنند و پس از آنکه صحنه‌سازی تکثیر سلیمان میرزا اسکندری، که عتی می‌گوید:

«دستور ز لندن بد و با دست دگر یوه»
تکرار میشود. چه بسا متن «تکفیر» نامه امام خمینی را نیز عملیای سیا و ای‌تی‌ای جنس سرویس نوشته‌اند و بر شیبه چنین است.

عملیای مغرب را چه شده است که این حد به اسلام مشق می‌وزند که کلمه به کلمه نطق‌های امام را زیر میکروسکوپ بگذرانند و از خلال آن عناصر «کفر و الحاد» را بیرون کشیده به جوامع اسلامی» اعلان کنند. عملیای مزدور مغرب

در عقاید و رفتار و شیوه کشوداری ملک‌حسن و محمدرضا چیزی بخلاف اسلام نمی‌دیدند و نمی‌بینند، که آنرا محکوم کنند. آنوقت که محمدرضا میگفت ما برای جلب شیوخ عربیه سفرهای جهانگردی داریم، باید برایستان وزن هم ساده کنیم، اندکاه که ساواک دسته دسته انقلابیون ایرانرا در خیابان‌های مسلمان می‌رست، عملیای مغرب مفراسلامی خودشان را کجا پنهان کرده بودند و آیا اکنون سران عربستان سمودی، شیخ‌های خلیج، دیکتاتورهای پاکستان و مصر و... به پیروی از اصول اسلام، بدامان امیرالیه‌های امریکائی و انگلیسی خریدمانند، که عملیای مغرب درباره آنها مسرد سلوت بر لیزده‌مانند؟

خیر، آقایان عملیای مدافع اسلام، دیگر نه حنای خودتجان رتکی دارد و نه حنای اسلام‌تان. در تاریخ خلقهای مسلمان دوران تازمانی آغاز شده است. انقلاب ایران نخستین سنگ بنای جامعه نوین را در کشورهای مسلمان بنا کرده که در آن دیگر جانی برای ملوک و شیوخ و امراء و فعلیای «چون‌خدا» باقی نخواهد ماند. چنانچه «تکفیر» این حریره زنگ‌زده را غلاف کنید. در جاتی که امریکائی جهان‌توار بسا بیبای میدوزنی و نارهای هواپیما بر کوه‌بیکر خود دهج غلطی نمیتواند بکنند، حریره زنگ‌زده تنها هم در محاصره ایندولوزیک ایران انقلابی تأییری نخواهد داشت.

ریشه انقلاب ایران عمیق‌تر از آنست که «وعاظ‌السلطین» بتوانند آنرا با این حرکات مذبح‌خونه از لیب مردم مایرون بکشند. اینرا در داخل کشور نیز «وعاظ‌السلطین» یل‌یار آزمووند و خلق قهرمان ما آنان را مقتضانه به سکوت واداز کرد. برای دهان لایک شما، عملیای جیره‌خوار مغرب، نیز میتوان یل‌یار کفایت مشت‌کره کرده در ایران یاق.

آندزیا بیا بیایا ضرب‌المثلی دارند که می‌گویند: مکی خودش چیزی نیست، اما دل آدم را بهم می‌زند. «تکفیر» شما هم قتل چنین مگس است.

مردم از قاطعیت انقلابی...

بقیه از صفحه ۱

«باید قاطعانه عمل کرد و نگذاشت که ریشه‌های شیطانی دوباره بهم بیرون بچورند»
قاطعانه عمل تند و ریشه‌های شیطانی، فرصت بیوندیافتند. این اتحاد و همکاری شور را در توطئه طیس گزاه بودیم، که اجرای نقشه امیرالیه آمریکا جز با همکاری گروه کثیری از ضدانقلاب داخلی امکان‌پذیر نمی‌شود. در توطئه نافرجام‌مدان شاهد بودیم، که شرکت بسیاری از افراد شاغل و بازنشسته لشکری و کشوری در آن قاش شد. صرف‌نظر از شرکت ضدانقلاب در شبکه «نظامی» توطئه‌های امیرالیه‌ها، اینان به مقیاس وسیع در شاخه سیاسی توطئه‌ها مشارکت داشته‌اند. همین‌ها بودند که، بگفته فرمانده سپاه پاسداران، شایع‌سازی می‌کردند دست به جعل و تحریف می‌زدند. به رهبران انقلاب نسبت‌های دروغ‌سیدادند، توارهای بختیار خان را به کشور وارد نموده تکثیر می‌کردند، به بخش‌های سپاه‌سرتک ایران بدون آدم جمهوری اسلامی دست می‌زدند و آنرا

به اتومبیل‌های مردم و دو دیوار شرمی چسباندند، تحسن و اعتماد و رگم‌کاری را تسویق می‌کردند، بعنوان یک‌راز وظایف سازمانی خود، احتکار و گرانفروشی را تبلیغ می‌کردند و در کار پاک‌سازی اخلاص و آنرا بشخص خود تبدیل می‌نمودند.
به ضدانقلاب نباید گسترین ترحمی روا داشت، که ترحم بر بلندگ تیزندگان است. چهره‌های بظاهر مصومی که در کودتای نافرجام همدان شرکت کردند و درین جلب ترحم دادساران و رأفت تماشگران، خود را بیگناه و اغفال‌شده نشان می‌دادند ساگر در جنایت خود توفیق یافته بودند. سراسر سرزمین ما را به برهوت خاکستر و خون بدل می‌ساختند.

قاطعیت انقلابی کیمت‌ها، سپاه پاسداران و دادگاههای انقلاب درین جوشی، جلب و محاکمه ضد انقلاب باید قویا ادامه یابد، که تنها راه نجات انقلاب است. امیرالیه بدون بازوی فعال خود در داخل، یعنی ضدانقلاب متشکل، قادر به تجاوز نظامی بخاک ما و کودتا در کشور نیست. باید این بازوی تپیکار را با اقدامات قاطع قطع کرد.

ضد انقلاب در تدارک...

بقیه از صفحه ۱

بیشتری مرید که به قتل‌کشی جنگی روزافزون امیرالیه آمریکا در منطقه توجه کنیم، که مستحیا انقلاب ایران را نشانه گرفته است. امیرالیه آمریکا با نگاه قاطعی خود در جزیره دیه‌گوگالسیا را با آخرین تجهیزات مجهز ساخته و در کار ایجاد شبکه وسیعی از پایگاه‌های نظامی و دریایی در اقیانوس هند و مجاورت خلیج فارس است. امر-ایلیس انگلیس عمان قابوس و عربستان فهد را با سلاحهای مدرن تجهیز میکند. آمریکا در تدارک تئوت نیروی دریایی عربستان سمودی است و سخنگوی نیروی دریایی آمریکا لانس ساخته، که تعداد ۱۴ قایق موشک‌یاب و کشتی‌های مجهز به موشک برای عربستان سمودی در دست ساختمان دارد.

این تدارک وسیع نظامی و صرف میلیاردها دلار هزینه، چنانکه بدیهی است، برای مقابله با رژیم‌های پاکستان و ترکیه و مصر و اردن و عربستان سمودی نیست، که مزدورند و دست‌نشانده و فرمانبر امرالیه، بلکه برای مقابله با رژیم‌های مغرب منطقه و قبل از همه ویشی از همه با انقلاب ایران است که حضور غیر-قانونی و تجاوزگرا امیرالیه را در این منطقه از جهان مورد سؤال قرار داده است. برای مقابله با انقلاب ایران است، که افسانه ساختگی «جزیره ثبات آرلیامیری» را رسوا کرد و آتشتان خشم مردم در هر گوشه از این «جزیره ثبات» چنان خرمن‌های آتشی بر افروخت، که رژیم دست‌نشانده و پایگاه و حامی آن در این سرزمین، ساواک و سیا و موساد در شعله آن تود شدند.

اکنون وزیر خارجه آمریکا، اندوند ملکی، از گذشته یاد می‌کند که رژیم شاه منافع ملی آمریکا را کامین میکرد و امیرالیه آمریکا دندان از خشم بهم می‌ساید که، چرا رژیم حافظ «منافع ملی» آمریکا را از دست داده است.

تمامی تاملات امیرالیه آمریکا اکنون آنست که نظام جمهوری اسلامی ایران را سرنگون کند و رژیم شاه‌اندوزیم پیش‌بر سر کار آورد که از «منافع ملی» آمریکا پاسداری کند. اجرای کام‌بک طرح برزنیسکی در ایران و تیره ساختن عمدی مناسبات با اتحاد جماهیر شوروی، بلین گمان که انقلاب را از بزرگترین پشتیبان خود محروم سازند، ایجاد جو تشنج و تفرقه و آشوب و هر چه درج، زیر پا گذاشتن قوانین جمهوری و قدیده گرفتن تصمیمات برگزگانه‌های مسئول مملکت و ایجاد اختلاص در همه عرصه‌های حیات کشور، همه و همه تدارک مقتضات آن توطئه‌های است که باید در روز و ساعت نامعلومی علیه انقلاب پیاده نمود و انقلاب را در آتش خاکستر کند.

بدیهی است که تا مردم در صحنه حضور دارند، توفیق دشمن ممکن نیست، اما به‌این شرط که از حضور توطئه‌ها در صحنه، استفاده منجیده بعمل آید و از ایشبه شور و ایثار انقلابی مردم بجا و بوقوع و طبق برنامه بهره‌گیری شود و این امر مهم در درجه اول برعهده مسئولان مملکتی است که مردم را متحد و متشکل کنند، حدود وظایف و سنگر یزید هر فرد، هر گروه و هر سازمان دقیقاً معلوم و مشخص باشد، که در اینصورت دشمن واقفا هم در مقابله با صفوف درهم فشرده مردمی آگاه و ییاد و متشکل و مجهز کاری از یش نخواهد برد.

بخودسری‌ها بایند...

انقلاب و دیگران نیز توجه لازما به این موضوع هم داشته‌اند. آقای بن‌سدر رئیس‌جمهور در سخنرانی خود در سیدیه تهران بویژه متذکر شدند: «کتوریک در محاصره نظامی و سیاسی است و کتوریک از داخل و خارج درگیر با توطئه‌های است. تواند عدم هماهنگی را تحمل کند. ایشان روی خودسری بعضی گروهها، مقامات و نهادها متوقف کرده گفتند:

«اگر قرار باشد هر روز گروهی در شهرهای مختلف به حرکت درآید و برای دولت صالح ایجاد کند، اینجا را صرف کنند، آنجا را حکم برانند، اینرا تو بیخ کنند، در آنجا شکنجه‌خانه درست کنند، در آنجا زندان درست کنند و ده‌ها حکومت بوجود یآورند، یکی این خانه را تبدیل بزمندان کند، دیگری آن‌خانه را تبدیل بزمندان کند و هیچکس نداند که این نهادها چه حقدارند این‌همه زندان داشته‌باشند، در این محیط قان... حکومت، از حکومت کردن عاجز میشود و من تردید ندارم که ملت بزرگ ما، ملت هویت‌سازما و این جراتان ملحق ما خواهان نظم و امنیت هستند و ما یبند کسی عهددار این مسئولیت بزرگ‌شود و به این دوران استبداد و هرج و مرج با قاطعیت و سرعت پایان بدهند. در این زمینه ای‌تالله قدوسی دامتسان کل انقلاب در سینار دادگاهها و دادسراهای انقلاب بویژه روی لزوم پایان‌دادن به خودسریها تاکید کرده گفت: تمام توجه به بی‌خشمه‌های صادره از مرکز، تصمیم‌گیریهای خودسراهای پاره‌ای از دامتسای انقلاب بدون اطلاع حکم شرع و با عکس، دخالت در کارهای ادارات و امور پاکسازی و تصفیه ادارات بصورت خودسراهای بدون اطلاع و دستور مرکز، لئو احکام صادر شده و تشدید با تصفیف این احکام پس از توفیق حاکم شرع بوسیله حاکم شرع جدید، از جمله مشکلات دادگاههای انقلاب است. دامتسان کل انقلاب رفع سریع این ناراستیا را خواستار شد.

در همین سینار آی‌تالله دکتر بیشتی، رئیس دیوانعالی کشور، با اشاره به تخلفاتی که در احکام یا رفتار دامتسای حکام مملکت و باقضات میشود، لزوم جلوگیری از این گونه خطا و لغزش و رفع این قبیل ناراستیا را متذکر شد.

اما آنچه در این ارتباط باید در مرکز توجه و دقت دائم قرار گیرد اینست که، تنها تذکر این نکات از جانب مقامات عالی‌کسور بی‌بوجه کافی نیست. باید انجام صحیح، بوقوع و دقیق وظائف مربوطه را از ارگانها و مقامات اجرائی خواست و بیوسته تحت‌نظارت و بازخواست قراردهد، زیرا در غیر این صورت زمینه مساعد برای تحریکات عناصر ضدانقلاب و خرابکاری‌های امیرالیه، که هنوز در این ارگانها باقی مانده و یا در آنها رخنه کرده‌اند، فراهم میشود. آنها بدین وسیله می‌توانند سبب تشدید ناراضیهای مردم شوند، کاسه‌سیر و ممانت انقلابی آنها را لریز کنند، تشنج و درگیری ایجاد کنند و به نیات پلید خود علیه انقلاب جمهوری اسلامی ایران دست یابند.

بگفته دکتر بن‌سدر رئیس‌جمهور: «مردم امروز ایران مردم عاقل، با ف و رشیدی هستند. اینها میدانند که کشورشان در صورتیکه درست اداره نشود باجه مصیبت‌های بزرگ‌روزی خواهد شد. از اینرو نیز مردم منتظر اقدام جدی و عمل قاطع از جانب ارگانها و مقامات اجرائی و مسئول مملکتند، نه تذکرات و توصیه‌هایی در بر.

شیلی در چنگال توپ‌ریکتاتوری

خیمشب یازدی چندین باروسته خون‌آشام و قضیت حاکم بر شیلی در مورد برگزاری بمسلاح رفواندم در مورد قانون لمسی از یکسوی و استیزله و تسسیر محافل اجتمائی آمریکائی لاتین شده و لزومی دیگر نشان میدهد رژیم پینوشه ملیرغم حمایت بی‌دریغ امریکائی حمایت خود بتدریج در داخل در تنگنا قرار می‌گیرد.

محافل فرقیخواه آمریکائی لاتین اظهار نظر میکنند با مصلاح فرانسس که قرار است بیزده سپتامبر (سالگرد کودتای خونین) در شیلی در مورد قانون لمسی برگزار شود چیزی جز یک نمایش توخالی برای فریب توده‌ها نیست. در این بمسلاح قانون لمسی، اختیارات کل‌مصلحان در دست جلادها باقی میماند و رژیم پینوشه در واقع میخواهد با این نمایش مسخره به دیکتاتوری قضیستی حاکم بر کشور، جنبه «قانونی» بدهد از سوی دیگر رژیم پینوشه در داخل کشور خود را با مقولست روزافزون خلق روبرو می‌بیند. در لمهای اخیر همراه با گسترش مقاومت بویژه بیمه از چنین اول ماه به که ملیرغم مصونیت برگزاری تظاهرات هزاران تن در این روز به خیابانها ریخته‌دهها کلرگر بازداشت شدند بویژه در دوخته گذشته یل‌یار کلرگر از متزلزلان بروده شده و مدتها زیر شکنجه قرار گرفته از جمله دو کلرگر را مدت ۱۴ ساعت شکنجه دادند. ناآشنایان این جنایت، پینوشه را وادار کرده است خود را در اطلاع از جریان نشان دهد و رئیس پلیس را به عنوان سهریلا ترغیب کرده است.

محافل سیاسی در آمریکائی لاتین اظهار نظر میکنند که هدف پینوشه آن است که آنجا که بتواند محیط امن و آرامی برای رژیم دیکتاتوری بوجود آورد اما از هم اکنون روشن است که تمام این تلاش‌ها سرانجامی جز شکست نخواهد داشت.

کمک‌های دولت انقلابی افغانستان به دهقانان زحمتکش

گزارشهای رسیده از افغانستان نشان میدهد برداشت محصول سال جاری روبه‌پایان است. در ایالت بدخشان میزان محصول نسبت به سال پیش ۵ درصد افزایش یافته و در بسیاری دیگر از ایالات نیز محصولات افزایش یافته است. کک دولت به کشاورزان از قبیل اهلای ماشین آلات و کود شیمیائی به بهایی‌نزل و همچنین خرید محصولات، از دلایل اصلی افزایش میزان محصولات است. در ایالات مختلف کشور تارونی‌های دهقانی بسرعت در حال تشکیل است و دهقانان افغانستان که از زور یوغ قزوالیه خون‌آشام آزاد میشوند دلپستی روز افزونی به امور کشاورزی نشان میدهند.

از سوی دیگر رانیزی کلیل‌خبر داد سمتن از دهران معروف ضد انقلابی که در جنایات عدیده علیه مردم دست داشته و از جمله چندین مزریه و مدرسه را به آتش کشیده بودند بدم افتادند. یکی از این ضد انقلابیون را یک گروه مسلح خلق دفاع از خود بترداشت کرده است.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

کشورهای اسلامی
بر دو نوع اند:
ضد امپریالیسم و
وابسته به امپریالیسم

سیاست خارجی هر دولت جندی،
بویژه جمهوری اسلامی ایران، که مولود
انقلاب شکوهمند مردم این کشور است،
باید متکی بر محاسبه درست واقعیات
موجود باشد نه بر تخیلات و القآت،

سیاست خارجی هر دولت جندی،
بویژه جمهوری اسلامی ایران، که مولود
انقلاب شکوهمند مردم این کشور است،
باید متکی بر محاسبه درست واقعیات
موجود باشد نه بر تخیلات و القآت،

بسیار مهم و مباحثاتی که در مورد سیاست
خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به
کشورهای اسلامی چگونه باید باشد؟
واقعیات موجود جهان ما بوضوح
نشان میدهد که گروهی از دول اسلامی
در جهت تمحیل آزادی و استقلال و تامین
منافع مادی و معنوی خلقهای زحمتکش
خود به مبارزه جدی علیه امپریالیسم،

این امر هیچگونه تعادلی نیست که،
از میان همه دولت های اسلامی، بویژه
این گروه از دولت ها (و نهضت ها)،
مانند الجزایر، لیبی، سوریه، یمن،
دمکراتیک، نهضت آزادی فلسطین،
و ... هستند که از انقلاب شکوهمند ایران
پشتیبانی کرده و میکنند.

و در عین حال بسیاری از دولت های
اسلامی دیگر، از مراکش گرفته تا مصر،
عراق، ترکیه، عمان، عربستان سعودی،
امارات متحده، عربی، پاکستان و ...
هستند که، علیرغم منافع واقعی مادی و
معنوی خلقهای زحمتکش آن، وابسته به
امپریالیسم، برکردگی امپریالیسم
آمریکا، و دنباله روی سیاست تجار و زکات
سلطه گران هستند. و ملاحظه می کنیم
درست همین دولت ها از میان دول اسلامی
هستند که در عمل، هر یک به نحوی از آنجا،
به مقابله و رویارویی با انقلاب و
جمهوری اسلامی ایران برخاسته اند.

در ارتباط با اینگونه دولت ها
بود که رهبر انقلاب شکوهمند ایران،
امام خمینی، در دیدار خود با
نمایندگان سازمانهای آزادیبخش
شورکت کننده در سمینار قدس گفتند:

" شما سرتاسر مالک اسلامی را وقتی
که ملاحظه کنید، کم جایی را می توانید
پیدا کنید که مشکلاتش نبولطه حکومت -
هائشان ایجاد نشده."

جمهوری اسلامی ایران یکی از
نهم ترین دستاوردهای انقلاب شکوهمند
مردم کشور، برهبری امام خمینی است.
سیاست خارجی این جمهوری، که خود
مولود انقلاب است، باید قبل از هر چیز
و با قاطعیت و مراقبت هر چه تمام تر
در راستای انقلاب، برای خدمت به تحکیم
مواقع و دستاوردهای انقلاب و پیشبرد
آن باشد.

انقلاب ایران دارای ماهیت ضد -
امپریالیستی و خلقی است. همین ماهیت
اساسی نیز باید تعیین کننده سمت کلی
و اصلی سیاست خارجی ایران باشد. بر
این اساس روشن است که در قبال دولت -
های اسلامی نیز ماهیت ضد امپریالیستی -
و خلقی باید مبنای اصلی مناسبات
خارجی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل
دهد. و الا تنها اسلامی بودن، چنانکه
رهبر انقلاب امام خمینی، نیز تاکید
کردند، نمیتواند و نباید منای کار
باشد:

" حکومت هایی که در بلاد مسلمین
هست، اینها به اسلام هیچ کاری
ندارند اگر یکدفعه اسلام بگویند
برای اینکه شما را بازی بدهند. اسلام
مدام هم مثل اسلام محمد رضا خان است.
اسلام آن مری هم، سادات هم مثل
اسلام مدام است"

سازمان های تودهای
نیکاراکوئه

هنوز چند روزی از پیروزی مردم
قهرمان نیکاراکوئه بر رژیم سرسپرده
خاندان سوموزا نگذشته بود، که
سازمانهای تودهای گوناگون در آن کشور
تاسیس یافت. اکثر این سازمانها با
انتخاب مفت "ساندینست" در عنوان خود،
از یکسواز نام ژنرال آوگوستو سزار
ساندینو "قهرمان خلق نیکاراکوئه"،
تخلیل کرده اند و از سوی دیگر آمادگی
خود را برای پیشبرد دگرگونی های
بنیادی و دمکراتیک در نیکاراکوئه،
برهبری "جبهه ساندینست آزادی ملی"
نیکاراکوئه ابزاز داشته اند.

ما در زیر به معرفی برخی از این
سازمانهای تودهای می پردازیم:

۱- کمیته های دفاع ساندینست
این کمیته ها ارگانهای خودگردانی
هستند که در دوران مبارزه مسلحانه
با رژیم سوموزا در مناطق آزاد شده
بنیادگذاری شدند، و پس از پیروزی،
به همه محلات و منطقه های شهری توسعه
یافتند. هدف "کمیته های دفاع
ساندینست" عبارتست از تامین امنیت
و نظم، و روشنگری سیاسی مردم و حل
مسائل آنها.

۲- کانون ساندینست زحمتکشان
این سازمان در پاییز ۱۳۵۸ تاسیس
یافت و بزودی به بزرگترین سازمان
سندیکاتی نیکاراکوئه مبدل شد.

۳- کانون ساندینست زحمتکشان "فدراسیون"
است، مرکب از سندیکاهای مبارز پیش
از انقلاب و اتحادیه هایی که پس از
پیروزی در صنایع نیکاراکوئه تشکیل
شد.

نمایندگان "کانون ساندینست
زحمتکشان" در مدیریت همه موسسات
دولتی شرکت دارند.

۴- انجمن ساندینست کارگران کشاورزی
در دوران حکومت دیکتاتور سوموزا،

گاهنامه انقلاب نیکاراکوئه

۲۶ تیر ۱۳۵۸: دیکتاتور سوموزا از
کشور میگریزد.

۲۸ تیر ۱۳۵۸: اورکوبو، که از سوی
سوموزا بعنوان نخست وزیر موقت اعلام
شده بود، فرار می کند. "جبهه ساندینست
آزادی ملی" پیروزی نظامی خود و پایان
استبداد سوموزا را اعلام می دارد.

"پارلمان" و دیگر بنیادهای رژیم
سوموزا منحل میشود. دولت "بازسازی
ملی نیکاراکوئه" قانون اساسی جدید
را منتشر می کند، که در آن تضمین
استقرار آزادی، عدالت و دمکراسی در
نیکاراکوئه مسجل است.

۲۹ تیر ۱۳۵۸: "شورای دولت بازسازی
ملی" در فرمان شماره ۱ خود اموال و
املاک سوموزا را مصادره می کند و به
مالکیت خلق می سپرد.

۲ مرداد ۱۳۵۸: برای تضمین و تسریع
بازسازی ملی قانونی بنام "قانون
اضطرار ملی اعلام می گردد.

۳ مرداد ۱۳۵۸: بانک های خصوصی ملی
می شوند. نخستین شماره "پاریکادا"
ارگان "جبهه ساندینست آزادی ملی"
انتشار می یابد.

۱۰ مرداد ۱۳۵۸: اصلاحات ارضی، با تقسیم
املاک سوموزا میان بیش از ۱۰ هزار
دهقان و تشکیل تعاونی ها آغاز میشود.

۱۷ مرداد ۱۳۵۸: تشکیل سیستم دولتی
بهاداری و بهزیستی و "انستیتو بازرگانی
داخلی و خارجی".

۱۸ مرداد ۱۳۵۸: ملی شدن بازرگانی
(نهضت های) مترقی اسلامی داشته
باشد، که در مبارزه بیگانه علیه
امپریالیسم برکردگی امپریالیسم
آمریکا، در راه آزادی، استقلال،
رفاه و ترقی مردم زحمتکش کشور و
مردم ما منافع اساسی مشترک مادی و
معنوی دارند. یکی از خطاهای دولت
موقت، بویژه وزارت خارجه، آن، این
بوده است که تاکنون که یکسال و نیم
از قیام قهرمانانه مردم ایران
می گذرد، هنوز هم مناسبات جمهوری
اسلامی ایران با عده ای از دولت های
مترقی اسلامی، که زیاد هم نیستند
(نظیر لیبی، یمن دمکراتیک) چنانکه
ثابت است، نیست. برعکس، وزارت
امور خارجه ایران، به خصوص
در دوران تعدی آقای قطب زاده داما
تلاش کرده است تا با دولت هایی نظیر
ترکیه و پاکستان و امارات متحده عربی
"مناسبات دوستانه" برقرار کند.

اکنون که اولین دولت قانونی
جمهوری اسلامی ایران در شرف تشکیل
است، و وقت آن رسیده است که در سیاست
خارجی جمهوری اسلامی ایران بطورکلی،
و در مناسبات آن با دولت های اسلامی
بویژه، تجدید نظر اساسی بعمل آید.

مکانان و کارگران کشاورزی

هیچگونه تشکیلی را نداشتند و در صورت
اقدام به چنین امری مجازات های بسی
سنگین آنها را تهدید میکرد. بهمین
دلیل نیز، با توجه به نیاز مبرم به
میرم کارگران کشاورزی در زمینه تشکیلی
منفی، بلافاصله پس از پیروزی، انجمن
نامبرده تاسیس شد.

بخش عمده زحمتکشان نیکاراکوئه
در کشاورزی شاغل است، که ۲۵ درصد
تولید فرآورده نا ویژه ملی ۲۵۵ درصد
در آمد های صادراتی کشور را تشکیل
میدهد.

انجمن ساندینست زنان
این انجمن نخستین سازمان زنان
نیکاراکوئه است، هر چند زنان آن
کشور نقش درخشانی در بیکار رژیم
سوموزا بازی کردند. هدف های این
سازمان در مرحله کنونی عبارتست از:
شرکت فعال در کارزار بیکار با بیسوادی،
روشنگری در گستره بهاداری و بهزیستی و
تاسیس کودگستان.

جوانان ساندینست ۱۹ ژوئیه
بخش اعظم جوانان نیکاراکوئه در
این سازمان تشکیلی یافته اند و از این راه
بیکار برای دگرگونی های دمکراتیک در
کشور شرکت فعال میکنند. سازمان
نامبرده تاکنون بویژه در کارزار بیکار
با بیسوادی نقش ارزنده ای بهمعهده
داشته است. "سازمان پیشاهنگامان"
ساندینست بخشی از "جوانان ۱۹ ژوئیه"
است.

باد آوری میثوم که در حدود هشت
ماه پیش، برخی نیروهای ارتجاعی و ضد
انقلابی گوشیدند، تا با سوء استفاده از
نام آوگوستو سزار ساندینو، در حزبی
بنام "حزب سوسیال دمکرات ساندینست"
تشکیل یافتند. خوشبختانه هوشیاری
مردم این نوطه را عقیم گذاشت.

خارجی برای صدور فرآورده های سنتسی
(پنبه، قهوه، محصولات ماهی) و ورود
کالاهای ضروری، تشکیل دادگاه عالی.
۱۲ شهریور ۱۳۵۸: نیکاراکوئه در ششمین
کنفرانس جنبش غیرمتعهدها به عضویت
این کنفرانس در می آید.
۲۶ شهریور ۱۳۵۸: با آغاز سال تحصیلی،
آموزش دبستانی و دبیرستانی رایگان
علامت می گردد.

۶ دی ۱۳۵۸: تشکیل "جامعه صنعت
خلق" برای رهبری و اداره موسسات
ملی شده.

۱۱ دی ۱۳۵۸: "برنامه اقدامات
اضطراری و نوسازی بسود خلق"، که از
سوی دولت تهیه شده بود، آغاز میگردد.
بموجب این "برنامه"، تدارکات گذار به
اقتصاد طبق نقشه فراهم خواهد آمد.
از دیگر هدف های آن، میتوان از ایجاد
کار برای ۹۰ هزار بیکار و بهیضود
تامین خوار و بار برای سکنه نام
برد.

۵ اسفند ۱۳۵۸: تشکیل "سپاه
ساندینست خلق" آغاز میشود.
۴ فروردین ۱۳۵۹: کارزار "بیکار با
بیسوادی" کتابش می یابد. مد وهشتاد
هزار آموزگار به تعلیم ۹۰۰ هزار
بیسواد می پردازند.

۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۹: "شورای حکومت
نیکاراکوئه" افتتاح و بدین ترتیب
مرحله ای نو در روند دگرگونی های
دمکراتیک نیکاراکوئه آغاز می شود.

جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین
را بشناسیم

"جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین"
با
حزب کمونیست منطقه خاورمیانه و محافل غیر-
صهیونیستی اسرائیل دارای مناسبات نزدیک و
برادرانه است و در زمینه سیاست خارجی برای
دوستی خلق فلسطین با اتحاد جماهیر شوروی و
دیگر کشورهای سوسیالیستی اهمیت استراتژیک
قائل است.

تایف حواته، دبیرکل "جبهه دمکراتیک"،
بارها تاکید کرده است که برای رویارویی با افزایش
دسیسه های امپریالیستی در خاور نزدیک، لازمست،
که پیوند میان "سازمان آزادی بخش فلسطین" و
"جنبش ملی-مترقی لبنان" گسترش یابد و
"جبهه" پایبندی عرب" هرچه بیشتر تحکیم
پذیرد.

"جبهه" دمکراتیک برای آزادی فلسطین"
سالمات که با حزب بوده، ایران مناسبات
دوستانه دارد. هشت نمایندگی حزب ما در
اسفندماه گذشته، در مراسم یازدهمین سالگرد
تاسیس "جبهه" دمکراتیک" در سوریه و دمشق
شرکت جست و با استعمال برنور مردم فلسطین
روبروشد.

درجهان سوسیالیسم

افزایش در آمد ملی، تولید صنعتی
و بارآوری کار در

شورای همیاری اقتصادی

در سال گذشته درآمد ملی کشورهای عضو
شورای همیاری اقتصادی، ۲/۵ درصد افزایش یافت.
دوهمین سال افزایش تولید صنعتی در این کشورها ۳/۶
درصد بود. بدین ترتیب، تولید صنعتی کشورهای عضو
شوراء در چهار سال گذشته ۲۲ درصد افزایش پذیرفته
است.

درجهان سرمایه داری

وخامت اوضاع اقتصادی در
کشورهای امپریالیستی

چندی پیش خبرنگار خبرگزاری "آسوشیتد پرس"،
جک آبوت، نوشت به پیش بینی "سازمان همکاری و توسعه
اقتصادی"، غرب در انتظار بدترین سال از ۱۹۷۵ تاکنون
باید باشد. درسال جاری، احتمال دارد که تورم، بیکاری
و سرسوزانه پرداختها در وردهای جدیدی بجای
بگذارند و آنگاه رشد در بهترین حالت ۳/۴ درصد کاهش
یابد. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، اخطار داده
است که چنانچه کشورهای تولید کننده نفت، تولید خود
را باینجا نیاورند و بیست و چهار کشور عضو "سازمان"
به اقدامات جدی برای تعدیل مصرف نفت نپردازند،
آینده این کشورها، از این نیز تیره تر خواهد بود.
اوایل دسامبر سال گذشته، "سازمان همکاری و
توسعه اقتصادی" برپایه رشد ۳/۲۵ درصدی فرآورده
ناویرزهای اجتماعی کشورهای عضو-سازمان، درسال ۱۹۷۹،
پیش بینی کرد، که این رقم درسال ۱۹۸۰ تنها ۲/۱ درصد
خواهد بود. اینک پیش بینی میشود که آنگاه "رشد" در
ایالات متحده آمریکا و بریتانیا در سال ۱۹۸۰ برترقب
۱/۵- درصد ۲/۴ درصد باشد. بزرگترین رقم رشد برای
ژاپن، بمقدار ۴/۷ درصد، پیش بینی شده است. آنگاه
رشد جمهوری فدرال آلمان ۲/۲۵، فرانسه و ایتالیا ۲
و کانادا ۱/۵ درصد خواهد بود. بموجب این گزارش، در
سال ۱۹۸۰ نرخ تورم در گستره "سازمان" به ۱۰ درصد
و سری موازنه پرداختها به ۵ تا ۵۰ میلیارد دلار
افزایش خواهد یافت. شماره بیکاران، که در پایان سال
پیش ۱۶/۷ میلیون بود، نخست به ۱۹/۵ میلیون و
اواخر سال ۱۹۸۰ به ۲۰/۱۵ میلیون خواهد رسید و
بدین ترتیب ریزش جدیدی بجای خواهد داشت.

به مبارزه سیاسی و نظامی برای پیشبرد حقوق
قانونی خلق فلسطین، از جمله حق تعیین
سرنوشت خویش و تشکیل یک کشور ملی مستقل،
مشغول است.
برنامه "جبهه" دمکراتیک" هدف استراتژیک
این سازمان را ایجاد جامعه سوسیالیستی در چنین
کشوری تعیین می کند.
"جبهه" دمکراتیک برای آزادی فلسطین" با
حزب کمونیست منطقه خاورمیانه و محافل غیر-
صهیونیستی اسرائیل دارای مناسبات نزدیک و
برادرانه است و در زمینه سیاست خارجی برای
دوستی خلق فلسطین با اتحاد جماهیر شوروی و
دیگر کشورهای سوسیالیستی اهمیت استراتژیک
قائل است.
تایف حواته، دبیرکل "جبهه" دمکراتیک"،
بارها تاکید کرده است که برای رویارویی با افزایش
دسیسه های امپریالیستی در خاور نزدیک، لازمست،
که پیوند میان "سازمان آزادی بخش فلسطین" و
"جنبش ملی-مترقی لبنان" گسترش یابد و
"جبهه" پایبندی عرب" هرچه بیشتر تحکیم
پذیرد.
"جبهه" دمکراتیک برای آزادی فلسطین"
سالمات که با حزب بوده، ایران مناسبات
دوستانه دارد. هشت نمایندگی حزب ما در
اسفندماه گذشته، در مراسم یازدهمین سالگرد
تاسیس "جبهه" دمکراتیک" در سوریه و دمشق
شرکت جست و با استعمال برنور مردم فلسطین
روبروشد.

کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی اصفهان انجام خواستههای بحق خود را میخواهند



بخش نامه ای فقط بهانه ای بود برای بر کوب و راه تازه ای بود برای متصرف کردن ذهن زحمتکشان . در این مورد ، همانطور که در موارد دیگر نیز متذکر شده ایم ، نظام انقلابی می تواند و باید دستورها را بر مبنای نیازهای ضروری زندگی و خاتوانگی کارگران و متناسب با هزینه زندگی تنظیم و پرداخت کند . در مورد دیگر ، ناراضیاتی کارگران ، مشکل و شیوه مدیریت این شرکت را در بر می گیرد . شخصی مدیر عامل شرکت در مصاحبه با روزنامه حرکت اصفهان (شماره ۲۶ تاریخ ۵۹/۲/۲۰) ضمن اشاره به ناراضیاتی کارکنان شرکت از شیوه اعمال مدیریت آن را " طبیعی " دانسته و گفته اند که ، هر کسی حق خود را می خواهد و چون همه به این حق نمی رسند ، ناراحت میشوند .

البته با قسمت اول این اظهار نظر که ناراضیاتی " طبیعی " باشد ، نمیتوان موافق بود . اگر مدیریت انقلابی در واحدهای گوناگون اعمال شود ، بی تردید با استقبال عموم زحمتکشان روبرو خواهد شد و بویژه در شرایط بحرانی کنونی ، در حالی که امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب دست پرورده اش از هر امکانی بسود خود استفاده می کنند ، این گونه ناراضیاتی ها طبیعی نیست و نباید چنین بر خوردی با آن بشود . باید زمینه های واقعی ناراضیاتی های عمومی را از میان برداشت و چنین کاری جز با برخورد اصولی ممکن نیست . بر خورد اصولی ناراضیاتی را نوعی عارضه دردناک و نا سالم می داند و در رفع آن می کوشد .

اما قسمت دیگر گفته مدیر عامل شرکت واحد اصفهان گوشه ای از واقعیت را در خود دارد . هر کسی حق خود را می خواهد . این درست است . نمی توان در کوتاه مدت تمام خواسته های همه افراد را بر آورد . این هم درست ، ولی میتوان بطور عمده ، خواسته های اولی و نیازهای ضروری زندگی روزمره خانوادگی زحمتکشان را مرتفع کرد . این کار شدنی است و کارگران ، عموماً چیزی در این حد را مطرح می کنند . ناراضیاتی کارگران ، بر خلاف نظیر مدیر عامل ، در این جا نیست . در آن است که مدیریت سندیکا را منحل میکند و خود را مستقیم در برابر کارگران قرار میدهد . داشتن سازمانهای منفی حق مسلم زحمتکشان میهن ما است . این را قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشریح کرده است . کارگران جز با تشکیل در سازمانهای منفی نمی توانند از حقوق خویش بطور سازمان یافته و بنا بر این موثر و مفید در برابر تجاوز کار فرمایان و اجحافهای گوناگون دفاع کنند .

این را خود کارگران بجز بیهوده دریافته اند . کارگران می دانند که انحلال سازمانهای منفی بمعنای فراهم کردن مقدمه و زمینه لازم بمنظور تشویق و پایداری کردن حقوق آنان است .

اما این نظام انقلابی چنین نمی خواهد و دست اندر کاران مسئول آن نیز در این جا و آن جا نباید دست به اقداماتی زند که چنین شبهه ای را برای پاره ای زحمتکشان فراهم آورد .

ما امیدواریم که قانون کار آینده با مراعات انقلابی از هر جهت بر این خواسته بحق و اصولی کارگران صفا گذارد و شرایط و چارچوب واقعی و عملی آن را مشخص کند .

قبلاً تمام جمعه ها کار می کردیم و مزد می گرفتیم ، ولی الان فقط یک جمعه در هر ماه به ما حقوق میدهند . حق پارکینگ و ناهار هم که کم شده . گران می بیداد می کند . من بفکر خودم نیستم ، ولی جواب زن و بچه هایم را نمی توانم بدهم .

حسین ساکی ، راننده خط ۱۲ :
" برای وام به کارگران شرکت بودجه ای در نظر گرفته شده ، ولی به هیچکس وام نمی دهند . حقوق ماهانه ما را هم ۱۰ روز دیر می دهند . عباس هاشمی ، بلیط فروشنده .

بهنای خیابان شیخ بهایی :
" ۹ سال است کار می کنم . با روزی ۶ و ۷ تومان شروع کردم و موقمی که منار به حقوقم اضافه شد ، هزینه زندگی چندین برابر بالا رفت . من از عهده این قیمت ها بر نمی آیم . تازه حق جمعه ها و حق ناهار و پارکینگ را هم که کم کرده اند .

حسین رستگار پناه ، بلیط فروشنده خیابان فلسطین :
" یازده سال سابقه کار دارم و هفت نفر را باید غذا بدهم . حق اولاد ، بیمه ، پارکینگ و ناهار را ، که جمعه ها ماهانه هزار تومان میشود ، از من کم کرده اند . با این وضع گرانی قادر به هیچ کاری نیستم .

آنچه مسلم است ، کارگران شرکت واحد اصفهان عموماً از میزان دستمزد خویش ناراضی اند . آنها زیر بار کم شدن هزینه سرسام آور زندگی شان خم نشده اند . گرانی طاقت فرماست و افزایش اندک دستمزدها نیز چندان دردی از آنان دوا نکرده است .

بیهی است که دستمزدها در مقایسه با دوران طاغوت ، بقول مدیر عامل شرکت واحد اصفهان ، روزانه سیمد و سه ربال افزایش یافته است . ولی مقایسه با میزان دستمزد در دوران طاغوت گویای همه جوانب این ساله نیست ، بلکه این مقایسه موید آن است که در نظام جمهوری اسلامی ایران به کارگران توجه بیشتری شده است . اما کارگران از مسئولین این نظام انقلابی بدستی انتظار دارند که وضع سابق را مبنای نگرینی . در گذشته هیچ حکمی و هیچ امتیازی نبود کارگران نبود . هر

اصفهان آمد ، ولی متأسفانه به جای گفتگو با کارگران ، با شورا ای که ما آنرا منحل کرده ایم ، تشکیل جلسه داد و افرادی را اخراج کرد . اگر این وضع ادامه پیدا کند ، مستقیماً پیس امام می رویم . اینها نمی توانند انقلاب را برگردانند .

حسین علی ریش سفیدان ، بلیط فروشنده میدان امام :
" در حدود ۶ سال است که در این شرکت کار می کنم . خانه من نزدیک دولت آباد است و آنجا نیز کیوسک بلیط فروشی هست ، ولی من باید از خانه ام سه تومان پول تاکسی بدهم و به میدان امام بیایم ، در صورتیکه میتوانم مرا در همان کیوسک نزدیک خانه ام بگذارند . با آمدن مدیر عامل فعلی ، حق ناهار و پارکینگ را از ما کم کرده اند . برای ایجاد تفرقه ، حق ناهار را به راننده ها میدهند ، ولی به بلیط فروشها ، کمک راننده ها و کنترل چی ها نمی دهند . دلم خوش است که هشت ساعت در روز کار میکنم ، ولی وقت آزادم را باید دنبال گرفتن بلیط باشم ، در حالیکه میتوانم بلیط را بیاورم و به ما بدهند ."

اسفند دهقان ، بلیط فروشنده خیابان حکیم نظامی :
" ۱۰ سال سابقه کار دارم . قبلاً حقوق ماهانه من با کار روز جمعه و کلیه مزایا ۲۷۰۰ تومان می شد . ولی الان جمعه ها کار تعطیل است و ۲۰۰ تومان بابت آن از حقوق من کم کرده اند . حق ناهار و پارکینگ هم که دیگر نمی دهند . هشت سال پیش مرخص شدم و یک پاهم فلج شد ، ولی هنوز بیمه به آن رسیدگی نکرد است ، در حالیکه همیشه حق بیمه ها از ما کم میشود . همین الان که با شما صحبت می کنم ، پاهم درد می کند . بر اثر نداشتن خانه و زندگی نتوانسته ام زن بگیرم . میدانم وضع دولت نامساوی است ، اما انتظار دارم که به وضع ما رسیدگی کنند ."

حسین علی نظری ، کمک راننده خط ۱۲ :
" ۱۲ سال است در شرکت کار می کنم . شش سال بلیط فروشنده بودم و بعد از آن تا حالا کمک راننده هستم .

اتوبوسهای شرکت واحد همه روزه انبوهی از مردم را ، که اکثراً جزو طبقات کم درآمد و محروم جامعه هستند ، از گوشه ای به گوشه دیگر شهر می برند .

شرکت واحد اتوبوسرانی اصفهان حدود ۸۰۰ نفر کارگر اعم از بلیط فروشنده ، کمک راننده و تعمیرکار ، کار بودوسی دستگاه اتوبوس دارد که باید در ۲۶ مسیر مختلف حرکت کنند . مسافری اتوبوسها اغلب از کمبود اتوبوس و دیر رسیدن آن شکایت دارند . برای آشنایی با وضع کارگران این شرکت و اطلاع از خواسته های آنها و نیز تحقیق در مورد علل ناراضی مسافری به نقاط مختلف شهر رفتیم و با رانندگان ، کمک راننده ها و بلیط فروشان به مصیبت نشستیم .

" اغلب اوقات ماشین در خط ها نیست . مثلاً بجای ۷ ماشین ، در خط سیر ها بیشتر وقتها ۳ ماشین در رفت و آمد است . خوب ، معلوم است که ما هم نمیتوانیم نیاز مردم را بطور کامل بر طرف کنیم . ماشینها مرتب سرویس نمی شوند و علت این امور هم عدم تعقیب کامل در شرکت است ."

از عباس علی موحدی ، راننده خط شماره ۳ ، در این مورد سؤال میکنیم می گوید :

" ما ۱۳۰ دستگاه ماشین داریم که سی تا آن همیشه بعلت خرابی خوابیده است . تعمیرگاه هم بخاطر کم کاری و کمبود کارگر ماهر کارش بازده چندانی ندارد و اغلب ماشین تعمیر نشده رابه راننده دیگری تحویل میدهند ."

از طرف دیگر صد دستگاه ماشین را که باید برای ایاب و ذهاب مردم بکار بیاورند ، مدیر شرکت به موسسات دیگر مثل شرکت نفت ، راه آهن ، مرکز تکامل صنعتی ، دانشگاه ، شهرداری ، کارخانه ناسیونال و حتی برای کارهای دیگر بطور درستی میدهند .

از وضع خودتان می پرسیم . درد دلها زیاد است و تا کنون هیچگونه رسیدگی به آن نشده . چشم امیدشان بدولت انقلاب است و از کار شکنی های مسئولین شرکت به تنگ آمده اند . رشته سخن را به آنها می سپاریم ، زیرا حرفهایشان ما را از هر گونه توضیح اخافی بی نیاز می سازد .

محمد کریمی ، بلیط فروشنده میدان امام :
" سیزده سال سابقه کار دارم . قبل از آمدن مدیر عامل جدید ، سندیکای تشکیل داده بودیم که در جهت خواسته های مردم بر میداشت . ولی دو ماه پیش مدیر عامل جدید آمد ، سندیکا را منحل کرد و یک شورا تشکیل داد . ولی ما کارگران شرکت بسا اکثریت آرا شورا را منحل کردیم و خواستار تشکیل مجدد سندیکا هستیم . فعلاً نه شورا و نه سندیکا داریم ، که از حقوقمان دفاع کند . مدیر عامل بی جهت در کار شرکت تعاونی دخالت میکند او حق ناهار و پارکینگ ما را حذف کرده و بی جهت سعی در ایجاد ناراضی بین ما می کند . بیکبار می خواستیم بطور دستجمعی مقابل استانداری تجمعی کنیم ، ولی بخاطر فرمان امام و جلوگیری از تشنج از ابتکار خودداری کردیم ."

عباس نیازی ، راننده خط شماره ۱۲ :
" تنها وزارت کار قادر به منحل کردن سندیکاست . در صورتیکه مدیر عامل فعلی شما سندیکای ما را منحل کرد و یک شورا مصلحتی تشکیل داد . ولی ما با هوشیاری و بلاکثرت آرا شورا را منحل کردیم . یک هیئت پاکسازی به

سندیکای کارگران و کارکنان سینماهای تهران:

باملی کردن صنعت سینما، کارگران این صنعت را زیر پوشش قوانین کار و بیمه های اجتماعی قرار دهید.

جاده قدیم شیراز کارگران را تمسیر کنید .

پس از احوالات جاده جدید شیراز - کارزون ، جاده قدیم آن بصورت محروم و غیر قابل استفاده در آمد . در مسیر این جاده چندین روستا قرار دارد ، که بعلت وضع خراب جاده ، روستاییان مجبورند سیر دیگری را طی کنند و از طریق تنگ بل الحیات به کارزون روند ، و این خود مستلزم خرج بیشتر و تحمل زحمات فراوانی است .

روستاییان این مناطق میگویند: " با توجه به وضع خراب جاده ، چطور مریضها خود را به شهر برسانیم ؟"

از سوی دیگر ، اغلب ماشین های راه سازی در این منطقه را که مانده است و با توجه به خرابی جاده ، روستاییان خواهان ترمیم جاده قدیم شیراز کارزون هستند ، تا برای رفت و آمده کارزون در مضیقه نمانند .

ما امیدواریم که هر چه زودتر با ترمیم این جاده ، مشکلات دهقانان این ناحیه رفع شود .

ادامه دارد . قوانین کار و بیمه اجتماعی در باره کارگران و کارکنان سینماها بطور کامل اجرا نشده ، و این فقره عظیم زحمتکش را منظر شراب کارد روضه سختی بزم میبرد . سندیکا خواستار آنست که همزمان با مملی کردن صنعت سینما در ایران ، کلیه کارگران و کارکنان سینماها بخند دولت درآیند و از شمول قوانین کار و بیمه های اجتماعی و دیگر مزایا برخوردار شوند . سندیکا امیدوار است که هر روز وحدت سندیکای این کشور کارگران روز افزون و همبستگی تمام کارگران سینماهای سرتاسری کشورمان ایران عزیز برقرار تر و متحدتر گردد .

۱- سندیکای کارگران و کارکنان سینماهای تهران و حومه در شرایط کنونی با توان هر چه بر توان از انقلاب ایران و از دستاوردهای انقلاب دفاع کرده و مبارزه علیه تجاوز نظامی و تحریم اقتصادی امپریالیسم جهانی ، بسرگردگی میریالیسم آمریکا ، را وظیفه میهنی و انقلابی خود میدانند ، و در خاتمه کارگری ، آمادگی خود را جهت دفاع از انقلاب قدما میریالیستی بر رهبری امام خمینی اعلام می دارد .

موارد آن ، از فیلم سازی تا نمایش فیلم ، ملی شود . مسلماً در این صورت است که وسایله بسیار مهم تبلیغاتی از بسند سرما به داران آزمند داخلی و خارجی رها شده و امکان تبلیغ وجود هدفهای ملی و میهنی مردم ایران ، بر رهبری امام امت خمینی بت شکن ، فراهم میگردد .

۲- سندیکا معتقد است که منمنست سینما در ایران چنانکه شاید و باید ترقی نموده و آنچه در گذشته وجود داشته ، کاریکاتور از صنعت سینما بوده است . سینما وسیله مهمی در تبلیغ و آغا علیه میهن پرستانه و استقلال طلبانه است . سینما در آکا می دادن به توده مردم و نشر افکار مترقی و اخلاق متعالی در ایشان نقش مهمی ایفا می کند . بنا بر این منمنست سینمای ایران باید بطور همه جانبه تقویت گردد ، فیلمهای ایرانی به روی صحنه درآید و سینما وسیله ای آموزنده و مفیدی تا قلب روستاها رسوخ نماید .

۳- کارگران و کارکنان سینماهای تهران و حومه در سالهای رژیم طاغوت در معرض شدیدترین استثمار و نقض حقوق انسانی قرار داشته اند ، که هنوز هم

سندیکای کارگران و کارکنان سینماهای تهران و حومه ، در ارتباط با مسائل صنعت سینما ، اخیراً با انتشار بیانیه ای ، ضمن طرح نظرات خود ، رهنمودهای مفیدی ارائه داشته است . در این اعلامیه می خوانیم :

۱- فعالیت ما احیاناً سینماها را در ۲۵ سال گذشته ، که با نمایش فیلم های مبتذل آمریکا و غریبی جامعه ایران را به فساد کشاندند و مدها مملی وارد ربال پول درآمد مردم ایران را بجهیب آنها تار فیلم سازان آمریکا و دول غریبی ریخته اند و در همین حال با دستگاههای پلیسی رژیم همکاری نزدیک داشته اند ، قویا محکوم می کنند .

۲- سندیکای کارگران و کارکنان سینماهای تهران و حومه معتقد است که صنعت سینمای ایران باید از دست کار فرمایان خصوصی خارج شده ، در تمام

شکوه آرمان‌های المپیک



گزارشده‌اند و چنین تشکیلاتی در هیچ المپیک گذشته‌ای سابقه نداشته است.

ماریو واسکز رانیا، رئیس جمعیت کمیته‌های ملی المپیک، که در عین حال رئیس کمیته ملی المپیک مکزیک است، اظهار داشت:

من همواره اطمینان داشتم که مسابقات المپیک را با شکوه برگزار خواهد نمود، لیکن بازیهای مسکو حتی درخشانتر و باشکوه‌تر از پیش‌بینی‌های من برگزار شد.

اعضای خانواده المپیک، یعنی شرکت کنندگان در کنفرانس‌های بین‌المللی هیئت‌های ورزشی، توریست‌ها و سایر میهمانان خود را در خانه خوبش احاطه می‌کردند.

بازیهای در سطح عالی ورزشی، تشکیلاتی و فنی برگزار شد.

اینگونه اظهار نظرها، که تعدادشان بیشمار است، گواهی آنند که خلق شوروی با قبول مسئولیت پرافتخار برگزار کردن المپیک ۸۰، از هیچ کوششی فروگذار نکرده است، تا بازیهای مسکو بزرگترین رویداد بین‌المللی ورزشی و نیروی محرکه جدید برای گسترش آرمان‌های جنبش المپیک تبدیل گردند.

اعضای کمیته بین‌المللی المپیک، سرپرستان فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی و کمیته‌های ملی المپیک معتقدند که موفقیت بیست و دومین بازیهای المپیک فیه‌ای کم‌ترکن به کوشش‌های بی‌نهایت دستگاره‌ری برای ایالات متحده در جهت برهم زدن این بازیهای فرود آوردن و بی‌اس‌سی کوشش‌های از نیروها را برای استفاده از ورزش در خدمت اهداف مغرضانه سیاسی به اثبات رسانید.

در مدت تدارک و برگزاری المپیک ۸۰، جنبش المپیک مقوف خویش را استحکام بخشید و قدرت و دوام آرمان‌های خویش را نشان داد، و بدین ترتیب محبوبیت و حمایت جهانی بیشتری نیز کسب کرد.

تنها جای تأسف آنست که ورزشکارانی از کشورهای قریب‌النسبت که بازی نداشتند سیاسی شدند و امکان نیافتند که در بازیهای المپیک شرکت جویند، و بدین گونه، امیدها و آرزوهای بسیاری از ورزشکاران، که طی سال‌های بزرگترین مسابقات ورزشی جهان آماده می‌شدند، به باد رفت.

مشعل بیست و دومین بازیهای المپیک خاموش شده است، لیکن در قلمرو میلیونها علاقمند به ورزش در نقاط مختلف جهان ذره‌ای از آن فروخته است، و این، بازیهای صلح و دوستی را فروغ می‌بخشد.



تیم تنیس روی میز ایران به ژاپن می‌رود

به دعوت کمیته تشکیلاتی ژاپن، تیم تنیس روی میز ایران روز شنبه ۹ شهریور ماه برای شرکت در بازیهای به قاره‌ای (آسیا، آفریقا، آمریکا، لاتین) به ژاپن خواهد رفت. این مسابقات تا روز دوشنبه ۱۷ شهریور ماه بطول خواهد انجامید و ۵ بازیکن از سوی فدراسیون تنیس روی میز ایران به این مسابقات اعزام خواهد شد. اعضای تیم ایران در جریان مسابقات قهرمانی کشور که در شیراز برگزار می‌شود، مشخص خواهند شد.

کارگران قندریز: تلخ‌کام در زندگی

کارگران صنعت قندریز، که از جمله با سابقه‌ترین کارگران ایران هستند، عمدتاً در کارگاه‌هایی (در حدود ۱۰۰ کارگاه کوچک و متوسط در تهران مانند: جاده قم و جاده مسگرآباد و کاروانسراهای اطراف شوش قرارداد، گرد آمده‌اند و بگاری سخت مشغولند.

اصولاً کار تولید و تامین قند برای مصرف داخلی کشور را ۳ بخش مختلف بعهده دارند:

۱- کارخانه‌های دولتی و خصوصی بزرگ، که از چغندر قند، شکر و قندکله تولید می‌کنند، مانند کارخانه‌های هفت‌تپه خوزستان (فریمان-شیروان-شیرین) خراسان و شاهزند قزوین و...

۲- کارگاه‌های کوچک، گاز شکر تولیدی و یا شکر وارداتی، قندکله شهری و با قندکله ماشینی تولید می‌کنند.

۳- واردات قند از خارج، که بصورت قند حبه از کشورهای بلژیک و فرانسه و... به ایران صورت می‌گیرد.

کارگران این صنعت، که سندیکی کارگران قندریز تهران تعدادی از آنان را در خود مشتمل ساخته است، در کارگاه‌های نوع دوم مشغول بکار هستند.

کار قندریزی را میتوان از جمله کارهای سنگین حساب آورد، زیرا حمل کیسه‌های شکر و تخليه آن از داخل ماشین به کارگاه، که وزن آنها در حدود ۵۰ و یا ۱۰۰ کیلوگرم است، و همچنین حل طشکهای قند مذاب، که حرارت فوق‌العاده زیادی دارد و اگر بجای از بدن بریزد، مانند روغن داغ میسوزاند (خطری دائمی برای کارگران فاقد وسایل حفاظتی) و بالاخره جابجایی کیسه‌های قند از طرفی و مکنیزه نبودن وسایل کار از طرف دیگر (در کارگاه‌های کوچک) امر مکنیزه کردن وسایل کار تقریباً غیرممکن است) باعث می‌گردد که

آغاز مسابقات کشتی قهرمانی جوانان ایران

مسابقات قهرمانی کشتی جوانان ایران از روز چهارشنبه ۲۹ مرداد ماه با حضور کشتی‌گیران ۱۷ تا ۲۰ سال سراسر کشور در سالن بدیع زادگان تهران آغاز می‌شود.

قهرمانان این دوره تا وزن ۹۰ کیلو برای شرکت در مسابقات قهرمانی جوانان جهان، که در کانادا برگزار خواهد شد، به این کشور عزیمت خواهند کرد.

یک رکورد ۴x۲۰۰ متر بانوان جهان شکست

در جریان یک رکورد شکنی، تیم ۴x۲۰۰ متریان در جمهوری دموکراتیک آلمان رکورد جدیدی برای جهان در این رشته بدست آورد.

تیم جمهوری دموکراتیک آلمان موفق شد که ۴x۲۰۰ متر را در یک دقیقه و ۲۸ ثانیه و ۲ دهم ثانیه طی کند، و بدینسان ۲ ثانیه رکورد جهان را بهبود بخشد.

رکورد قبلی این رشته به تیم اتحاد شوروی با زمان یک دقیقه و ۳۰ ثانیه و ۲۳ دهم ثانیه تعلق داشت.

تیم ژیمناستیک ایران به شوروی می‌رود.

برای انتخاب تیم ژیمناستیک ایران جهت اعزام به اتحاد شوروی، از روز دوم شهریور ماه، در سالن ژیمناستیک ورزشگاه امجدیه مسابقات انتخابی برگزار خواهد شد.

فدراسیون ژیمناستیک ایران از هیئت‌های ژیمناستیک استان‌ها خواسته است که ورزشکاران خود را به این مسابقه اعزام کنند.

لرستان، میزبان مسابقات کشتی قهرمانی ایران

پس از بازدید رئیس فدراسیون کشتی ایران از تأسیسات و امکانات ورزشی استان لرستان و طبق توافق ایستادار و رئیس تربیت بدنی استان، برگزاری مسابقات قهرمانی ایران در استان لرستان قطعی شد.

بنا به گزارش دبیر هیئت کشتی لرستان، مسابقه‌های قهرمانی کشور در کشتی آزاد در روزهای ۲۰ و ۲۱ شهریور ماه و مسابقات کشتی فرنگی در روزهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴ شهریور ماه سال جاری در این استان برگزار خواهد شد.

مسائل کارگری

این کار جزء کارهای مشکل و سنگین محسوب شود. مشکل اصلی کارگران این صنف فعلی بودن است.

کارگران فعلی این صنف، که معمولاً از اوائل پائیز یا عید نوروز به مدت چندماه مشغول بگاری‌شوند، بیمه نیستند و از هیچگونه مزایای قانونی کار استفاده نمی‌کنند. چه‌جا کارگرانی که سالیان دراز در این کارگاه‌ها (و حتی در یک کارگاه) کار کرده، ولی از سابقه کار و مزایای دیگر بی‌بهرمانده‌اند. برعکس کارگران فعلی، کارگران دائمی این صنف از مزایای کار و بیمه و غیره استفاده می‌کنند.

دستمزد کارگران قندریز بعلت سختی کار در حد متوسطی است. این دستمزد برای کارگران تازه‌کار روزانه در حدود ۱۰۰۰ الی ۱۳۰۰ ریال و برای کارگران حرفه‌ای‌تر و خلیقه (اوستا) بیشتر از اینهاست.

یکی از شکردهای کارفرمایان این است که حقوق کارگر را با همه مزایا ذکر و منظور میکنند. مثلاً حقوق کارگری را ۳۰۰۰۰ ریال تعیین می‌کنند و می‌گویند که این دستمزد سود ویژه، حق اولاد، حق مسکن، خواربار و همه مزایای کارگری را در برمی‌گیرد، و در همراه از وی رسید دریافت می‌کنند.

از دیگر شکردهای کارفرمایان، استفاده وسیع از کارگران افغانی است که مزد کمتری دریافت می‌دارند و بسادگی آنها را اخراج میکنند. وضع کارگران و کارگاه‌ها از نظر ایمنی و بهداشت محیط کار بسیار اسفناک است. کارگران معمولاً فاقد دستکش هستند (کارفرما دستکش نمی‌دهد) از این جهت و در بیشتر مواقع، کارگران این صنف را می‌توان از تاول‌های دستشان تشخیص داد. بخار شیرینی قند باعث خرابی دندان‌های خلیقه، که بالای اجاق می‌نشینند، می‌شود. حمل بارهای سنگین نیز صدمات زیادی به کارگران وارد می‌آورد. (در کارگاه‌های کوچک کارگران خود وظیفه باربری را تقبل می‌کنند و درازای جابجایی هر کیسه ۵ الی ۸ ریال دریافت می‌دارند.)

سندیکی این صنف، که در دوران رژیم سابق نیز وجود داشت، همانند سایر سندیک‌های از این دست، حافظ منافع کارفرمایان بود. مثلاً رئیس هیئت مدیره سندیکا خود سابقاً خلیفه بوده و سپس دارای کارخانه کوچکی شده است.

در مقابل، کارفرماها اتحادیه‌ای دارند که در آن تصمیماتی درباره نرخ فروش قند و تعیین حقوق کارگران و مبارزه با کارگران انقلابی گرفته می‌شود. بعنوان مثال میتوان از تصمیمی که در گذشته در مورد منع استخدام کارگران مبارزی که توسط احقاق حقوق خود اخراج شده بودند، توسط دیگر کارفرمایان نام برد. کارگران گزیری جز تشکیل سندیک‌های در برابر کارفرمایان ندارند، زیرا فقط از این طریق میتوانند از حقوق خود دفاع کنند.

نقش دولت در رابطه با صنعت قندریزی کارخانه‌های قندریزی زمانی می‌توانند بکار خود ادامه دهند که:

اولاً تولید چغندر قند در داخل کشور ناکافی باشد، ثانیاً، خرید شکر از کشورهای خارجی همچنان ادامه یابد.

و آخرتر بگویم. اگر چغندر قند در داخل کشور به قدر کافی وجود داشته باشد، دیگر نیازی به دوباره کاری نیست، که اول از چغندر، شکر تهیه کاری و سپس آن راه قند تبدیل نمایم، بلکه می‌توان در کارخانه‌های قند مستقیماً از چغندر قند تهیه کرد. از این رو با تولید کافی چغندر قند و ایجاد کارخانه‌های قند دولتی در دراز مدت، دیگر وجود این نوع کارگاه‌ها ضروری به نظر نمی‌رسد.

اما در موقعیت کنونی دولت میتواند با دادن وام به آن عده از کارفرمایانی که سعی در ماشینی کردن دستگاهها و گسترش کارگاه‌هایشان را دارند، به امر تولید بیشتر قند و قطع ورود آن از خارج نقش مؤثری ایفا کند. البته تهیه قند حبه به وسیله ماشینهای اتوماتیک موجود خیلی باصرفتر و اقتصادی‌تر است، ولی اکثر مردم شهرها و قریب به اتفاق روستائیان میهمان، از استفاده از قند حبه اجتناع می‌کنند. این نیز دلایلی است برای توسعه کارخانه‌های قندریزی در شرایط کنونی.

شکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیک‌ها) ضرورت انقلاب ایران است

شکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیک‌ها) ضرورت انقلاب ایران است

شکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیک‌ها) ضرورت انقلاب ایران است

شکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیک‌ها) ضرورت انقلاب ایران است

شکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیک‌ها) ضرورت انقلاب ایران است

شکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیک‌ها) ضرورت انقلاب ایران است

شکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیک‌ها) ضرورت انقلاب ایران است

شکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیک‌ها) ضرورت انقلاب ایران است

شکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیک‌ها) ضرورت انقلاب ایران است

شکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیک‌ها) ضرورت انقلاب ایران است

شکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیک‌ها) ضرورت انقلاب ایران است

شکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیک‌ها) ضرورت انقلاب ایران است

شکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیک‌ها) ضرورت انقلاب ایران است

شکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیک‌ها) ضرورت انقلاب ایران است

اخبار کارگری

کارگران بیکار سنجج خواستار اقدامات جدی در زمینه ایجاد کاراند

پس از جنگی که از جانب ضدانقلاب وابسته به امپریالیسم آمریکا و رژیم بعث عراق به شهر سنجج در شمال غربی ایران، کارگران بیکار شده، وضع اسفناکی پیدا کردند. این شهر کارگران که عمدتاً به کارهای ساختمانی مشغولند و اکثر روزمزدند، هیچگونه امکاناتی برای تامین آینده ندارند. آنها هر روز در میدان شهر به امیدکار جمع می شدند و اغلب دست خالی و بدون اینکه موفق به یافتن کار گردند، به منزل خود برمی گشتند.

چندی قبل ارگانهای انقلابی مستقر در شهر سنجج برای ایجاد کار قولهای مساعدی به کارگران دادند. با کوششهای مسئولین قسمتی از طرح سد سایر به راه افتاد و کارگران سد قنلاق (شرکت ساسر) به سر کار خود بازگشتند. اما عده ای از کارگران را بدون ذکر دلیل تاکنون سر کار نبرده اند. با اینکه فضای شهر برای شروع ساختمان هایی که از طرف وزارت مسکن قرار بود برای مستضعفین شروع شود، مناسب است، هنوز اقدامی در این مورد صورت نگرفته است. شرکت مادم، که خازن سازمانی پادگان را می سازد، هنوز بطور فعال راه نیفتاده است.

کارگران بیکار سنجج خواستار راه اندازی این طرحها، که خواستار ارتزاق کارگران بدون پس انداز و محتاج میشود، هستند و از مقامات مسئول تقاضا دارند که طرحهای عمرانی را هرچه سریعتر به سر برد اجرا گذارند تا نیروی فعال در این منطقه هز، نرود. آنها میخواهند که پس از پایان کار سد قنلاق، فکری بحال حدود هزار نفر کارگری بوزره ای، که با پایان یافتن آن بیکار میشوند، بنمایند.

در ضمن کارگران خواهان گسترش فعالیت جهاد سازندگی، که اکنون شروع به کار کرده، هستند.

در دلدل یک کارگر مریوانی

من کارگری هستم اهل مریوان، دارای زن و هفت فرزند. کارگر فصلی هستم و کمی هم بناایی بلسم. فعلاً روزها کارهای مختلفی می گردم. شبا به لحاف دوزی، وقتی جنگ اخیر هم مریوان دوز کشیده شد، دو هفته تمام در خانه خود زندانی شدم و نتوانستم بیرون بیایم. بعد هم مانند اکثر مریوانها آواره، گوه و دشت شدم. یک هفته در روستا و اطراف مریوان بودم، بعد هم وارد سنجج شدم و در محله عباس آباد منزلی گزایه کردم.

تمام پس اندازم خرج شده و بیک ریال ندارم. با این خرج سرسام آور، از مردم میخواهم خود تقاضا کنند که چرا من در سن ۶۵ سالگی همچگونه نامی برای هفت فرزندم ندارم. از مقامات مسئول میخواهم بفرماید.

بزرگ مالک، محصول دهقانان "محامید" را به آتش کشید.

چندی قبل در روستای "محامید" از توابع اهواز، بار دیگر آتش افروزی یک فتودال منجر به نابودی محصول کشاورزان شد.

اهالی محامید برای حمل محصولات خویش (پس از درو) یک دستگاه تراکتور و تریلر گزایه می کنند. در این میان فتودال ده مدعی می شود که در ابتدا باید محصولات را حمل شود، اما با مقاومت سرسخت کشاورزان مواجه می شود. مالک زور بکشد تا این اکتفا نگردد و برادر ۱۷ ساله خود را مورتش زدن یکی از خرمنهای می کند. که در نتیجه آتش به خرمنهای دیگر سرت می کند و تمام هستی دهقانان به هدر می رود.

کشاورزان برادر مالک را دستگیر کردند و تحویل پستگاه دادند. اما منتهای پستگاه پستگاه و راه دلیل "عدم وجود مدارک" آزاد کرد.

این هشدار دیگری است برای مقامات مسئول و علاقمندان انقلاب تا قطع بدکار کامل بزرگ مالک و فتودالیم در جامعه روستایی، توطئه و تحریک در تمام سطوح ادامه خواهد داشت. ما به دشمنان خود در اجرای قانون حتی یک لحظه درنگ نکردیم و حتی یک نفر را مستثنی نکردیم.

جریان یک دادگاه

دادگاه انقلاب شهرستان ساری، گروهی از کشاورزان را بعلت شکایت مالک به دادگاه احضار کرد.

دادگاه انقلاب و پاسداران به حقوق دهقانان زحمتکش صحنه گذارند.

دادگاه انقلاب شهرستان ساری گروهی از کشاورزان را بعلت شکایت مالک به دادگاه احضار کرد. در جریان بازپرسی، یکی از کشاورزان مصممانه از حقوق دهقانان دفاع کرد. دادگاه انقلاب و پاسداران به حقوق دهقانان زحمتکش صحنه گذارند.

اول آن ماه سال قبل، روستا شهرستان ساری، واقعه در حومه شهرستان ساری، حدود یک هکتار زمین غصب شده خود را از دست یک فتودال گرفتند. اقدام به کشت محصول کردند. چندی پیش آنها را جمع آوری و بطور مساوی بین روستائیان تقسیم کردند، که به هر نفر ۶۴۰ کیلوگرم رسید. در باقیست طبقاتی این روستا، حدود ۹۰ درصد اهالی جزو دهقانان بی زمین و کم زمین هستند.

چندی قبل فتودال این روستا به دادگاه انقلاب شهرستان ساری، از دست روستائیان شکایت می کند و دادگاه ۸ نفر از روستائیان "متهم" را در روزهای ۵۹/۴/۸ و ۵۹/۴/۹ به دادگاه احضار می کند. در دو روز پیش از تشکیل دادگاه، آقای فرامرز میرزا بشت روستائیان می گیرند و در بازپرسی و کتایب و در متن سؤال و جوابهای زیر درج می شود:

س: شما تمهید به تحریک دهقانان و تصرف عدوانی زمین و باغ آقای حاجی عباس نادری، از خودتان دفاع کنید. ج: اصل قضیه این بود که زمین، در اصل، متعلق به روستائیان قریه زید علیا بوده، که بعلت خوش خدمتی حاج عباس نادری به شاهپور غلبرما، در کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۵۹، به زور از روستائیان گرفته شد و به عنوان پاداش به ایشان داده شد. از این مقدار زمین، وی حدود ۲۶ هکتار آنرا به شرکت نکا، چوب فروخته و از این بابت، در زمان طاغوت، بیش از یک میلیون تومان پول دریافت داشته است.

پس از انقلاب در کیفیت زمین غصبی خویش را گرفته ایم و در آن گندم کاشته و پس از برداشت بطور عادلانه بین خودمان روستائیان تقسیم کرده ایم. چه کسانی ممکن است علیه این انقلاب تحریک کنند؟ مسلماً کسانی که منافق آنان در خطر افتاده باشد. کشاورزان چه منافعی از دست داده اند؟ جز زنجیر طاغوت چیزی را از دست نداده اند. علاوه بر آن قصد تحریک دادگستری، تمام روستائیان را به دادگاه می کشانیم، همچنانکه فتودال مدکورتاً مالک و قاضی ایشان را آورده بود. ما به قانون احترام می گذاریم و وقتی زمین خود را گرفتیم، جریان آنرا به استان نداری، دادگاه انقلاب، و وزارت کشاورزی اطلاع دادیم و هر وقت قانون و هیئت ۷ نفره هر تصمیمی بگیرند، ما کاملاً مطیع هستیم. ما در مقابل قانون قرار نمی گیریم. ما زمین در زید علیا خود را بیدار کرده ایم.

آقای بازپرس! اگر پادان باشد، اما خصمی، برهبرما، چند روز پیش از ملت قهرمان عذرخواهی می کرد و تکرار کرده بود که مغذرت می خواهم، چون در این مدت برای شما کاری نکرده ایم. حالا شما باید کاری بکنید چشم و گوش دهقانان ستم دیده به شماست و همه امروز در معمرای سوزان منتظر برای بحق و عادلانه شما هستند. نه تنها قریه ما، بلکه تمام قریه اطراف منتظرند که شما چه تصمیمی می گیرید. آیا به نفع فتودال رای میدهند یا به نفع روستائیان زحمتکش؟ البته ما به آنان بازگفته و می گوئیم که شما یک نهاد انقلابی هستید و عملاً به نفع مساوی خواهی داد.

آقای بازپرس! من محرک نیستم، چون منافعی را از دست نداده ام. اما فتودال ها در این شرایط یک تاکسی می خرید و دست یک بیکار می خرد، که با دستکی ندارد، می دهند و می گویند مال تو فقط کارکن و تبلیغ علیه انقلاب و خصمی و غلغالی و غیره بکن.

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است.

اخبار دهقانی

دار و دسته قاسملو حافظ منافع فتودالها هستند

روستائیان ده محمود گزک، از توابع سفر کلبایی، در نامه ای که به یکی از مسئولان حزب توده ایران در سنجج نوشته اند، خواستار افشای کارهای ورمکردی گزک، خلیفه پسر و دهاات در مکران، گزک، خلیفه پسر و محمود گزک و نیز در منطقه گساورد شدند. آنان مطالب زیر را در نامه خود عنوان کردند:

"مسئول تنکلیات که تحت نام حزب دمکرات در منطقه گساورد فعالیت می کند، کسی است بنام ملا علی شریعتی. این شخص که از دار و دسته قاسملو است، کاراملین سرکشیه کردن مردم به هر بهانه، قاچاق اسلحه و باج گرفتن است. یک نمونه از کارهایش این است که به خانها و فتودال زاده های فراری پناه داده و با دربارت پول از آنان مردم روستاها را سرکوب می کند. مثلاً در همین ده محمود گزک چندی پیش بین مردم محل دو خان بنامهای غلامرضا نمرتی و حسین خان نمرتی درگیری پیش آمد."

مردم خواهان استرداد زمین هایی بودند که خانها چند سال پیش بسوز و اسلحه و باکمک ژاندارم از آنان گرفته بودند، اما خانها مردم را تهدید بقتل کردند، و چون مردم به کمک پاسداران سفر انار اسلحه خانها را کشف کردند و پناه آنها را روی آب انداختند، خانها متواری شدند. آنها اخیراً نزد ملا علی شریعتی، یعنی سرپرست دار و دسته قاسملو در این منطقه رفتند و با دادن صد هزار تومان پول به او، از ابقول سرکوب مردم محمود گزک را گرفتند.

طرف دو هفته گذشته مردم روستای محمود گزک شبانه دوبار از طرف گروه قاسملو مورد حمله مسلحانه قرار گرفته اند و تاکنون پنج نفر کشته داده اند. مردم منطقه خواستار قاطعیت دولت در برابر این عناصر سرخود فروخته هستند.

دهقانان می نویسند:

این عین مطالب نامه ای است که به نامه مردم رسیده است "خدمت هیئت تحریریه روزنامه وزین نامه مردم"

ما تئین چند از اهالی قریه فشندک و شهرک طالبان، بدینوسیله قریه فشندک استمداد میطلبیم که به داد ما برسد، زیرا که ملا علی این ده تمام شیخ خرمالو محمودی، که در دوره انقلاب یکماه تمام در خانه اقوامش مخفی بود، حالا همه کاره ده و مسجد و منبر شده و از همان جایشیکه باید مردم را بهم اتحاد دهند، شروع به توهین با افراد و جوانان ده و همه اهالی میکند. جوانان ده را یک مشت بیکاره، کمونیست میخواند، اهالی را از بدمان روی تهدید به شتابانگی کردند. بدلیل ضد انقلابی بودن میباید زنها را بر علیه هم میثوراند و بسی حجاب و حجابدار را بجان هم میاندازد، دهقانان را که از کار روزانه سخت که از تاریکی سحر تا تنگ غروب شروع خواب از خواب میاندازد، چرا که خودش خواب بعد از ظهر نکرده و تا ساعت ۱۲ او یک شب روی منبر حرفهای ضد خط امام میزند و مردم را از هم دور میکند و با نسبت بهم مشکوک و دشمن تراشی میکند.

بسی استور او در قریه شهرک، زنی را که با یکی از آشنایان باجش پس از مدتی دوری خوش و بش ساده میکرده، بجرم رفیق بازی بزیر شلاق فرستاده بان جوان که التماس میکرده زن را در ملا عام و در حبس بر وی بالا داده و زن پس از شلاق خوردن و چند قدمی دور شدن، جا بجا تلف شده. آن جوان هم فعلاً در زندان بسر میبرد و مردم ده شتد از اینک جریان ناراضی و ناراحتند و از اینکه کسی بداد آنها نمیبرد حسنی در جمهوری اسلامی هم باسلام و اسلامیت توهین میشود، خشمگین و بشتد برای این ماجراها ابراد میگیرند. شما بما جواب بدهید. ما با این بی دینهای میلان نمای ضد خط امام چه باید بکنیم.

در مجموع دادگاه انقلاب شهرستان ساری، در این مرحله، از حقوق روستائیان دفاع کرد و علاوه بر پاسداران نیز به حقوق آنان صحنه گذارند.

در این دادگاه ندای بحق کشاورزان منکس گردید و نتیجه، رعایت بخش دادگاه، مطابق با روح انقلاب است. زیرا با رد بیکار از حقوق زحمتکش در مقابل حمله چپا و لگران دفاع شد. رای این دادگاه و نظرسنجی پاسداران، یعنی این دو نهاد انقلابی، به نفع دهقانان زحمتکش نشان داد که دادگاههای انقلاب و سپاه پاسداران، در صورتیکه افراد مومن به انقلاب در آن جای گرفته باشند، در خدمت تاووم انقلاب است. با تقویت این نهاد، دو کاردن انقلاب را تقویت به انقلاب، نهادهای انقلابی را مستعد برای تحقق اهداف انقلاب تجهیز کرد.

با تقدیم احترام زیاد عده ای از اهالی خط امام قریه فشندک و شهرک ۱۲ مرداد (شهادت حضرت علی علیه السلام)

گامهای بزرگ الجزایر در راه چیرگی بر میراث استعمار

چند هفته پیش «جبهه آزادیبخش ملی» الجزایر در کنگره‌های فوق‌العاده کارنامه کثرت خود را، بویژه در زمینه اقتصادی، بررسی کرد و سمت‌گیری سوسیالیستی خود را در آینده مورد مذاکره قرار داد.

الجزایر میتواند بخوبی بیابد که در راه چیرگی بر میراث شوم استعمارگران فرانسه، گامهای بزرگ به پیش برداشته و صنعتی شدن را در آن کشور پایه‌ریزی کرده است. تنها در سالهای ۱۳۴۸-۵۶، ۳۳۰ واحد صنعتی در الجزایر تأسیس یافت، که اینک تولیدشان به پنجاه درصد ظرفیت پیش‌بینی شده رسیده است.

صنعت الجزایر، که تود درصد آن زیر نظر دولت است، در حدود دو پنجم فرآورده‌های اجتماعی آن کشور را تأمین میکند. در کنگره تأکید شد، که یکی از راههای از بین بردن بازمانده وابستگی‌های اقتصادی الجزایر نسبت به کشورهای امپریالیستی، افزایش هرچه بیشتر کارآیی صنعتی است.

از جمله برنامه‌های اقتصادی آینده، که در کنگره نامبرده مورد بحث قرار گرفت، میتوان از «تبادل منطقه‌ای»، افزایش کارآیی جدید مرکز صنعتی و بهبود زیرساختها، بویژه توسعه شبکه راه‌آهن، نام برد.

در اقتصاد الجزایر، استخراج و پالایش نفت نقش کلیدی بازی میکند. در این کشور در سال ۱۳۵۷، ۶۱ میلیون تن نفت و در سال ۱۳۵۸، ۱۴

میلیارد متر مکعب، گاز استخراج شد. از آنجا که بموجب برآورد کارشناسان، منابع نفتی الجزایر، در صورت ادامه تولید در سطح کنونی، سرسال دیگر بیابان خواهد رسید، الجزایر مجبور است که از درآمدهای نفتی برای پایه‌ریزی و گسترش رشته‌های صنعتی دیگر استفاده جوید.

کشاورزی یکی از شاخه‌های اقتصاد ملی الجزایر است، که از توجه خاص برخوردار می‌گردد. یگفته سندی، وزیر اقتصاد الجزایر، تا کنون میان ۱۰۰ هزار هکتار و کارگر روستایی زمین تقسیم شده است. فزون بر ۶ هزار تعاونی کشاورزی، ۳۰۰ ده انقلاب کشاورزی، پدید آمده است، که همگی دارای مدرسه، درمانگاه و کانون فرهنگی هستند. لیکن، به عقیده «جبهه آزادیبخش ملی» این واقعیت که کشاورزی الجزایر هنوز قادر به تأمین نیازهای داخلی مردم آن کشور نیست، مسئله‌ایست بسیجی، چه هنوز در حدود یک سوم این نیازمندیها از طریق واردات تأمین میشود.

از اینرو، اسام دولت اعتبارات کشاورزی را ۳۰ درصد افزایش داده است. علاوه بر این، الجزایری‌ها قصد دارند، که دگرگونی‌های اجتماعی را، که با فرمان ۱۳۵۰ درباره انقلاب کشاورزی آغاز شد، بگیرانند ادامه دهند. در این زمینه، لازمست که از روی آوردن نیروی کار از روستاها به شهرها جلوگیری کرد، شرایط آموزش جوانان روستایی را فراهم آورد و به بهبود شرایط اجتماعی روستا کوشش ورزید.

در الجزایر نیز مسئله مسکن هنوز حل نشده است. البته باید بخاطر داشت، که جمعیت الجزایر (۱۸ میلیون نفر) سالانه ۳۲ درصد افزایش می‌یابد و بیست سال دیگر به ۳۶ میلیون نفر خواهد رسید. قراردات که سالانه ۱۰۰ هزار خانه در الجزایر ساخته شود.

الجزایر در گستره آموزش نیز به موفقیت‌های بزرگی دست یافته است. هجده سال پیش، در نخستین سال استقلال، کمتر از ۱۰ درصد کودکان

نخستین ساله به مدرسه میرفتند. اینک ۹۰ درصد کودکان از آموزش ابتدایی و متوسطه برخوردار میشوند. طبق ماده ۶ قانون اساسی الجزایر، خدمات پزشکی در آن کشور رایگان است. اکنون هر ۲۶۵۰ شهروند الجزایر یک پزشک در اختیار دارند. «منتور ملی» الجزایر کاوش این شماره را به ۲۰۰۰ پیش‌بینی میکند.

دبیر کل «جبهه آزادیبخش ملی» و رئیس جمهوری الجزایر، شانزدهمین جلسه «جبهه آزادیبخش ملی» داشت. نخستین مرحله دگرگونی‌های را به نوسازی اقتصاد ملی بشماره پایهای برای عمران کشور اختصاص دادیم؛ اینک لازمست که به افزایش کارآیی آن بپردازیم. بدین منظور، قرار است که بیاری برنامه‌ریزی همه‌جانبه و علمی تولید و بارآوری در چارچوب برنامه پنج‌ساله آینده‌امزاد یاد، شرایط زندگی زحمتکش‌ان بهبود یابد و بیکاری محدود شود.

کنگره فوق‌العاده «جبهه آزادیبخش ملی» تقریباتی چند را در آئین‌نامه این سازمان تصویب کرد. برای نمونه، بوروی سیاسی «جبهه» از این پس، بجای ۱۲ نفر، تنها هفت تا یازده نفر را دربر خواهد گرفت، که از سوی دبیر کل «جبهه آزادیبخش ملی» و رئیس جمهوری پیشنهاد خواهند شد و به تأیید کمیته مرکزی خواهند رسید.

کنگره مستگیری خویش را تحکیم دگرگراسی، پرورش کادرهای انقلابی و تقویت «جبهه آزادیبخش ملی»، بشماره پیشانک خلق الجزایر اعلام کرد.

پیداد تورم و بیکاری در ایالات متحده

تورم در آمریکا همچنان به سر صعودی خود ادامه میدهد و وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد که در ماه گذشته بهای عمده فروشی ۲٫۶ درصد افزایش یافته است. که در شش سال گذشته بیسابقه است. همچنین میزان بیکاری نیز در این مدت افزایش یافته است. بنا به پیش‌بینی کارشناسان اقتصادی آمریکا، با افزایش تورم، کساد اقتصادی و بیکاری در سال آینده نیز همچنان به سر صعودی خود ادامه خواهد داد.



انحصارات امپریالیستی گرداننده هر دو حزب دمکرات و جمهوریخواه هستند

کنوانسیون (بخوان: نمایان و شو) حزب دموکرات آمریکا پایان یافت و جیمی کارتر و واگنر مدیلسن یار دیگر بعنوان نامزدهای ریاست جمهوری و معاونت ریاست جمهوری این حزب در انتخابات نوامبر سال جاری انتخاب شدند.

چند هفته پیش نیز حزب جمهوریخواه، «نمایان» شبیهی برپا کرده و «روالد ریگان» از سوی این حزب بعنوان رقیب کارتر انتخاب شد.

این «کنوانسیون‌ها» در حالی بر گزار شد، که اقتصاد آمریکا با بحران بزرگی روبرو شده است. بی تفاوتی مردم آمریکا نسبت به این کنوانسیون‌ها نشان میدهد که تورم‌های زحمتکش آمریکایی تا چه حد نسبت به این فشارها، که هر چند وقت یکبار برای سرگرمی بر گزار میشود، بی تفاوت شده‌اند و آنچه نسبت به این بازیهای تکراری لبریز از زنجار میکنند زحمتکشان آمریکایی بتدریج بی‌میرند که هر دو اصطلاح «حزب بزرگ» آمریکا، چیزی جز عروسک‌های خیمه‌سب بازی انحصارات نیستند و هر گروه رقیب در واقع میخواهد سهم بیشتری از چنانچه را بخود اختصاص دهد.

گرسهال، دبیر کل حزب کمونیست آمریکا، در ارتباط با این نمایش‌های مسخره، در مصاحبه‌ای با روزنامه دیلی ورلد گفت که هر دو حزب، که دست تنگانه انحصارات هستند، صمیم گرفته‌اند که از ناگزیری مربوط به اصطلاح «خطر شوروی» استناد کنند تا بتوانند هزینه‌های نظامی را به نفع اربابان خود یعنی انحصارات افزایش دهند.

گزارش کرده است، که اقتصاد آمریکا با بحران بزرگی روبرو شده است. بی تفاوتی مردم آمریکا نسبت به این کنوانسیون‌ها نشان میدهد که تورم‌های زحمتکش آمریکایی تا چه حد نسبت به این فشارها، که هر چند وقت یکبار برای سرگرمی بر گزار میشود، بی تفاوت شده‌اند و آنچه نسبت به این بازیهای تکراری لبریز از زنجار میکنند زحمتکشان آمریکایی بتدریج بی‌میرند که هر دو اصطلاح «حزب بزرگ» آمریکا، چیزی جز عروسک‌های خیمه‌سب بازی انحصارات نیستند و هر گروه رقیب در واقع میخواهد سهم بیشتری از چنانچه را بخود اختصاص دهد.

هند در برابری و وظیفه انجام اصلاحات بنیادی بنفع اکثریت خلق

سی و سومین سالگرد استقلال هند بانکوه قراوان در سرگامر کشور برگزار شد. به همین مناسبت در هران هند در سخنرانی‌های خود به وظائف میرمی که در مقابل مردم هند قرار دارد اشاره کردند. سانجیواردی، رئیس جمهوری هند در سخنرانی خود ضمن اشاره به مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور، مبارزه با بیکاری و انجام اصلاحات بنیادی بنفع اکثریت خلق را مورد تأکید قرار داد و گفت باید هرچه سریعتر شکاف میان اقلیت ثروتمند و اکثریت مستمند از میان برداشته شود. دولت با توجه به اکثریت خود نیز پارلمان می‌تواند مسائل مردم زندگی مردم را حل کند. پافو پاندیرا گاندی نخست‌وزیر هند نیز گفت هند خواهد صلح و دوستی پناهه است. نخست وزیر هند از نظامی کردن اقیانوس هند لبراز تکرانی کرد.

در هران کشور همی سوسیالیست در پیام‌های سالگرد استقلال هند به رهبران هند شادباش گفته وموقفیت هائی را که هند در طول مدت استلال بدمت آورده است مورد ستایش قرار دادند.

لائوس در سمت گیری سوسیالیستی

لئوید پرژف، رهبر اتحاد شوروی، در کرسیه باکسون فومویمان دبیر کل کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق ونخست‌وزیر جمهوری دموکراتیک خلق لائوس دیدار و مذاکره کرد. فومویمان در این دیدار اعلام کرد که برغم مشکلات عثی از عقب‌ماندگی اقتصادی و شرایط بحرانی سیاست خارجی، خلق لائوس مصمم است که شالوده سوسیالیسم را بنا نهد و از مرحله رشد سرمایه‌داری بگذرد.

دبیر لائوس از سوی حزب، دولت و ملت این کشور از حزب کمونیست، دولت مردم شوروی بخاطر کمک‌های همه‌جانبه بی‌شائبه به لائوس در مراحل دشوار سیاسی‌سازی کرد.

لئوید پرژف و کسیون فومویمان از روند همکاری با لائوس دو کشور تبریک رضایت کردند. در مورد اوضاع جهانی و طرفت اعلام کردند که کشور های صلح‌دوست از توان و نفوذ کافی برای فتح آمدن بر افزایش تسخیر جهانی و آرام کردن اوضاع جهانی برخوردارند. طرفت بویژه اعلام کردند که سیستم توسعه طلبانه پکن، تشنج را در آسیای جنوب شرقی افزایش داده است. رهبران لائوسیت چین در امور داخلی کشور های «دو چین» مداخله و دشمنان سوسیالیسم را علیه این کشورها تحریک میکنند.

خلق السالوادور نبرد را ادامه میدهد

اعتصاب بزرگ کارگری سه‌روزه در السالوادور، که از سوی جبهه دموکراتیک انقلابی - یعنی جبهه برگزیده نیروهای چپ و دموکراتیک اعلام شده بود، برغم گزارش‌های مفرضانه و تحریف آمیز خبرگزاری‌های امپریالیستی، با موفقیت بر گزار شد و زحمتکشان السالوادور با این اعتصاب، آزاده قاطع خود را برای سرنگون کردن دایروسته مزدور حاکم بر کشور و قطع سلطه امپریالیسم چنانچه کار آمریکا، که عامل اصلی فقر و بدبختی مردم است، اعلام کردند. گزارش‌های رسیده از السالوادور نشان می‌دهد که حدود پانصد هزار تن در این اعتصاب سه‌روزه شرکت کردند. خبرگزاری‌های امپریالیستی در روز اول اعتصاب تلاش کردند که برای دایروسته حاکم بر کشور آبروی صت و پا کنند و بدین جهت علیرغم آنکه

سیاست ریاکارانه عربستان سعودی در برابری مسئله فلسطین «نمایانگر وابستگی آن به امپریالیسم آمریکا است»

آیت‌الله خمینی در سخنرانی‌های اخیر خود بارها به نقش خائانه و ضد خلقی رژیم کنونی عربستان سعودی اشاره کرده‌اند و وابستگی آنرا به امپریالیسم آمریکا یادآور شده‌اند. ما برای توضیح این نقش و بعنوان مثال، در زیر برخی از جبهه‌های سیاست دولت عربستان سعودی را در مقابل مسئله فلسطین، باختصار بررسی میکنیم:

شاید هیچ جنبه سیاست خارجی عربستان سعودی موزبانه‌تر و ریاکارانه‌تر از سیاست این رژیم در برابر مسئله خاورمیانه و بویژه مسئله فلسطین نباشد. مقامات عربستان سعودی از یکسو خویش را مدافع خلق‌های مبارز عرب و رژیم‌دکان فلسطین معرفی میکنند و از سوی دیگر در عمل موجودیت خویش را از اربابان آمریکایی‌شان بنیوت میرسانند. ائتلاف نظامی ایالات متحده آمریکا - اسرائیل - مصر که زیر پوشش مذاکرات صلح اسرائیل - مصر اعمال میشود، رسواگر ادعاهای فریبکارانه مقامات سعودی است، که میکوشیدند تا از طریق با اصطلاح مناسبات ویژه خود با آمریکا موضع آن کشور را درباره فلسطینی‌ها در جهت مثبتی تغییر دهند.

عربستان سعودی پس از عقد قرارداد مصر و اسرائیل، در بهار سال ۱۳۵۸، برای آنکه در کشورهای عربی منفرد نشود، بعنوان «مترانس»، به قطع روابط سیاسی و دیپلماتیک خود با مصر، مبادرت ورزید. اما واقعیت آنستکه این کشور درخفا کمک اقتصادی خود را به رژیم ورشکسته سادات ادامه داد و از این راه مذاکرات «کم‌دیویده» را، که خود در ظاهر به «هم‌آوایی» یا «جبهه پایداری عرب» محکوم ساخته بود، تسویق کرد.

عربستان سعودی در سیاست خود نسبت به فلسطین نمی‌تواند اتزوی کامل خود را چه در میان کشورهای عرب و چه در داخل کشور پذیرا باشد. در این کشور پیش از صدر هاد فلسطینی زندگی میکنند، که برخی از آنها مقامات کلیدی را نیز در دولت و اقتصاد عربستان سعودی صیبه دارند. بی‌شود نیست، که رژیم سعودی هر ساله پنجاه میلیون دلار در اختیار سازمان آزادیبخش فلسطین، میکذارد تا باین ترتیب بخیال خود سیاست فلسطینی‌ها را تعدیل بختند. از سوی دیگر، این رژیم از تاثیر فعالیت سازمان آزادیبخش فلسطین، برسکنه فلسطینی خود بی‌اندازه هراس دارد و بهین دلیل هم به این سازمان اجازه نمیدهده که در عربستان دفتر نمایندگی بگشاید.

بیم عربستان سعودی از گسترش نفوذ و قدرت فلسطینی‌ها همچنین در جنگ لبنان، در سال ۱۳۵۵ نمایان گشت. در این جنگ، که بمنظور تضعیف جنبش مقاومت فلسطین و نیروهای چپ لبنان، برافروخته و از نظر مال از سوی عربستان سعودی تأمین شد، ۶۰ هزار نفر جان سپردند و ۲۰۰ هزار نفر مجروح گردیدند.

بنوشته نیوزویک (۱۲ اسفند ۱۳۵۸)، ملک فهد ولید عربستان سعودی، در سخنرانی درباره افغانستان گفته است: شورویها از هیچگونه تلاشی برای بمقت آوردن پایگاه‌های جدید در مناطق نفت‌خیز خودداری نخواهند کرد. وظیفه جهان آزاد است، که در برابر خطر شوروی به مقابله بپردازد. لازم است که جامعه بین‌المللی کوشش‌های خود را بدین منظور تمرکز بختد. «جهان آزاد» ملک فهد همین همان عبارت «کشورهای آزاده» تلقی‌شده است که بمضای کشورهای امپریالیستی است!!

آیا این اعتراف خود رسواگرانه، بهترین وجهی وابستگی عربستان سعودی را به امپریالیسم آمریکا، این رهبر جهان آزاد و متکی واقعی منافعش چون حقوق بشر و «خطر شوروی» در منطقه را نشان میدهد؟

گرانی روز افزون هزینه زندگی پر دوش زحمتکشان سنگینی میکند زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

نمونه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
 دارنده امتیاز
 و مدیر مسئول:
 منوچهر جهادی
 خیابان ۱۹ آذر شماره ۸۸
 (دفتر نامه مردم، فعلاً
 در اشغال عناصر
 غیر مسئول است)
MARDOM
 No. 309
 17 August 1980
 Price:
 West-Germany
 0,80 DM
 France 2 Fr.
 Austria 8 Sch.
 England 20 P.
 Belgium 10 Fr.
 Italy 350 L.
 U.S.A 50 Cts.
 Sweden 1-50 Skr.



ستوان سوم هوایی
اسدالله نصیری



ستوان یکم هوایی
حسین مرزوان



ستوان یکم هوایی
منوچهر مختاری گلبایگانی



سرگرد یانہ
ارسطو سروشیان



سرگرد هوایی
رحیم ییزاد



سروان مهندس
اسمعیل محققزاده

بیست و پنجمین سالگرد شهادت ۶ افسر توده‌ای خاطره تابناک شهیدان راه استقلال، آزادی و ترقی ایران جاودان باد!

۲۵ سال پیش سحرگام ۲۶ مرداد ۱۳۳۴ بیکر شش قربان راه آزادی، استقلال، ترقی و رفاه مردم زحمتکش ایران: سروان مهندس اسمعیل محققزاده، سرگرد یانہ ارسطو سروشیان، ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری گلبایگانی، ستوان یکم هوایی حسین مرزوان و ستوان سوم هوایی اسدالله نصیری بدمست عمل‌چراغیت کدر رژیم فئدیک آریولسری به‌مذک اقتدار...

۲۵ سال پیش سحرگام ۲۶ مرداد ۱۳۳۴ بیکر شش قربان راه آزادی، استقلال، ترقی و رفاه مردم زحمتکش ایران: سروان مهندس اسمعیل محققزاده، سرگرد یانہ ارسطو سروشیان، ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری گلبایگانی، ستوان یکم هوایی حسین مرزوان و ستوان سوم هوایی اسدالله نصیری بدمست عمل‌چراغیت کدر رژیم فئدیک آریولسری به‌مذک اقتدار...

۲۵ سال پیش سحرگام ۲۶ مرداد ۱۳۳۴ بیکر شش قربان راه آزادی، استقلال، ترقی و رفاه مردم زحمتکش ایران: سروان مهندس اسمعیل محققزاده، سرگرد یانہ ارسطو سروشیان، ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری گلبایگانی، ستوان یکم هوایی حسین مرزوان و ستوان سوم هوایی اسدالله نصیری بدمست عمل‌چراغیت کدر رژیم فئدیک آریولسری به‌مذک اقتدار...

۲۵ سال پیش سحرگام ۲۶ مرداد ۱۳۳۴ بیکر شش قربان راه آزادی، استقلال، ترقی و رفاه مردم زحمتکش ایران: سروان مهندس اسمعیل محققزاده، سرگرد یانہ ارسطو سروشیان، ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری گلبایگانی، ستوان یکم هوایی حسین مرزوان و ستوان سوم هوایی اسدالله نصیری بدمست عمل‌چراغیت کدر رژیم فئدیک آریولسری به‌مذک اقتدار...

۲۵ سال پیش سحرگام ۲۶ مرداد ۱۳۳۴ بیکر شش قربان راه آزادی، استقلال، ترقی و رفاه مردم زحمتکش ایران: سروان مهندس اسمعیل محققزاده، سرگرد یانہ ارسطو سروشیان، ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری گلبایگانی، ستوان یکم هوایی حسین مرزوان و ستوان سوم هوایی اسدالله نصیری بدمست عمل‌چراغیت کدر رژیم فئدیک آریولسری به‌مذک اقتدار...

۲۵ سال پیش سحرگام ۲۶ مرداد ۱۳۳۴ بیکر شش قربان راه آزادی، استقلال، ترقی و رفاه مردم زحمتکش ایران: سروان مهندس اسمعیل محققزاده، سرگرد یانہ ارسطو سروشیان، ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری گلبایگانی، ستوان یکم هوایی حسین مرزوان و ستوان سوم هوایی اسدالله نصیری بدمست عمل‌چراغیت کدر رژیم فئدیک آریولسری به‌مذک اقتدار...

در جلسه دیروز مجلس، حجت الاسلام رفسنجانی گفت:

توطئه دیگری از سوی سازمان «سیا» علیه انقلاب ایران تدارک دیده شده است

که آئین در قریب نوبارگان کشور دارند باید شواهدی داشته باشیم...
ممکنست در بعضی از شهرستانها کمیسیونهای مساحه کننده بداروالمین...
دچار تکلیف نظریه و اشکالاتی باشند که به محض آنکه مطلع شدیم
جلوی آنرا خواهیم گرفت...
سپس در مورد ماده ۶۱ آئین نامه پیرامون مدت صحبت قبل از
دستور نمایندگان بحث شد. آنکه تفسیر این ماده مورد بحث به‌ارای
گذاشته شد و در نتیجه مدت صحبت نمایندگان از ۱۰ دقیقه به ۱۵
دقیقه افزایش یافت.
حجت الاسلام رفسنجانی ضمن اعلام تکمیل شدن کمیسیونها...
آنها خواست که هرچه سریعتر وقایع به کار بپردازند و وظایف خود را
انجام دهند. وی سپس در مورد نامه‌ای که ۲۶ تن از نمایندگان کنگره
آمریکا توسط سفیر سوئیس به مجلس شورای اسلامی فرستاده‌اند گفت:
«در این نامه سرایتا تسلطت که هفتاد و نه نفر است به‌سرما بود
از موضوع و سخنان من درباره جواب بنمایندگان. کنگره سراسری
می‌شد در صورتیکه من گفته بودم که نامه نمایندگان کنگره چوری بود
که نمایندگان حتی حاضر به جواب دادن به آن نشدند...»
من به آنها گفتم که این گونه سیاست آمریکا کار و مسئله خودشان را
مشکلتر خواهد کرد... وی ضمن اشاره به گزارش دیگری که از سوی
نوبت آمریکا فرستاده شده بود گفت: «در این گزارش ضمن پوزش
از عمل پلیس آمریکا، از خدمات پزشکی و قوتی که آمریکا برای
دانشجویان ایرانی انجام داده! سخن گفته شده است و اضافه شده
که آنها می‌توانند از کشور خارج شوند و حتی دولت آمریکا حاضر
لمست گرایمشان را هم بپردازد (وی در توضیح گفت: با همان پولهایی
که از خودشان بر داشته‌اند)... و تقاضا کرده‌اند خوب است دولت ایران
هم با گروگفتها رفتاری مانند دولت آمریکا با دانشجویان ایرانی داشته
باشد. سپس گفته‌اند در صورتیکه دولت ایران طور دیگری عمل کند
همین روال فعلی در آمریکا جریان خواهد داشت...»
باین این مطالب نیز گزارش دولت آمریکا باعث ناراحتی و خشم
گروهی از نمایندگان شد و آنها یادکر اینکه این نامه سراسر تمهید
و ارباب است به‌مطالب نامه اعتراض کردند. حجت الاسلام رفسنجانی
در توضیح جوابش به این گزارشات گفت: «من گفته ام اصلاحات مقایسه‌بین
جاسوسان آمریکایی در تهران و دانشجویان در زندان ما در آمریکا کنسلا
نظلم است. طرف ما در اینجا جاسوسان آمریکایی هستند که به‌توطئه
علیه انقلاب ملت ما متغول بودند. در صورتیکه طرف شما عمده‌ای از
جوانان بیگناه ایرانی هستند که برای تحصیل به‌آنها آمده بودند و
گروگفتگری و بزدانست جاسوسان آمریکا توسط ملت استوار شده
انجام شد که شما مدت ۴۰ سال پایتشر اموالت را غارت کردید
جوانان را کشتار کردید و جاسوسان خود را بر آنها مسلط نمودید. تمام
چنایاتی که رژیم پهلوی مرتکب شد ملت ایران از چشم شما همایند...
در حالیکه عمل دستگیری دانشجویان سبز ایرانی توسط دولت و
پلیس قاضیت شما انجام شد «چطور می‌توانید عمل یک ملت استعمار
شده را با عمل دولت استعمارگر و چنایکار خود که باید جواب چنایاتی
را بدهد مقایسه کنید. شما هنوز هم علیه انقلاب ما متغول توطئه‌اید.
ما گزارشاتی داریم که سازمان سیا دست‌اندرکار توطئه جدیدی است
ولی موفق نخواهد شد. سخن حجت الاسلام رفسنجانی در تکیه بر نمایندگان
و حاضرین در مجلس مورد تأیید قرار گرفت.
در پایان جلسه دیروز مسئله استرداد استعفا نامه آقای شجعی
نماینده زنجان و نهایی که وی در این مورد به‌مضور امام نوشته بود مطرح
شد که پس از بحثهای متعدد پیرامون آن، دستوراد استعفا نامه
بزرگت وی در جمع نمایندگان به تصویب رسید.

حمایت کرده و به‌تصنیر می‌نشینند جا دارد که ضمن تقدیر از این عمل
مردم، بدون اظهار هیستیک با آن نمایندگان محترم به‌آنها بپردازیم...
وی در قسمتی دیگر از سخنانش به‌توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه
انقلاب ایران اشاره کرد و گفت: «آمریکا پس از شکست نهایی نظامی
و محاصره اقتصادی اینک سعی می‌کند به کمک و عاقلان لاطین به‌تغیر
امام به‌جنگ انقلاب و رهبری آن بیاورد. او با حمایت روحانی درباری و
مزدور کشورهای اسلامی مانند مراکش، تونس، عربستان سعودی و
بخصوص مصر علیه انقلاب و رهبری آن توهین و فحاشی می‌کند...
وی در پایان سخنانش خواهان تسریع در کار کمیسیونهای مختلف
مجلس و بررسی طرحهایی که از طرف مردم برای رفع مشکلات متعدد
چالامه، عرضه شده‌اند، گردید.

سپس دکتر بهر دربار نحوه استخدام آموزگاران در ارتباط
با سخنان نماینده گران توضیحاتی داد و از جلسه گفت: «در مسلم
اینست که تهری استخدام آموزگاران جدید، با توجه به نقش حساسی

در حاشیه مجلس

وقتی اسلام آمریکائی توصیه میکند!

محسن شبستری ضمن اشاره به مقترعظم مصر گفت «این
فرد همان کسی است که به همراهی انور سادات از بکین استعزل
کرد و برای عقد قرارداد کهنه‌دیوید نماز شکر خواند...»
وی در جای دیگر اشاره به توصیه مقترعظم مصر به امام
خمینی کرد و گفت: «وی به امام توصیه کرده که بیشتر قرآن
بخواند...»
و تار شاهیه!

هنگامی که حجت الاسلام رفسنجانی گفت «آمریکائیا در
نامه خود خواسته‌اند که دولت ایران با جاسوسان آمریکایی همان
برخوردی را داشته‌باشد که دولت آمریکا با دانشجویان ایرانی
داشته است...» چند تن از نمایندگان با خنده و سینه‌تپ: «یعنی
ما هم آنها را شکنجه کنیم!»
و تلف نگفتند

بدنبال طرح استرداد استعفا نامه شجعی نماینده زنجان و
در گرفتن بحث زیاد بین نمایندگان حجت الاسلام خلغالی به
اعتراض گفت مسابوق درخشان مبارزانی وی در حوزه علمیه و
زنجان بر کسی پوشیده نیست و شما وقتی که او اصراف خود را
استعفا را خدمت امام عرض می‌کند دیگر مسئله تمام است و
بحث ندارد و نباید وقت‌زنی‌تان کرد...» لازم بود که
حسن‌آیت به‌صفت با مسئله بازگشت نماینده زنجان مخالفت
می‌کرد.

● حجت الاسلام رفسنجانی: ملت ایران تمام چنایاتی را که رژیم شاه مرتکب شده از چشم دولت آمریکا می‌بیند.

● عده‌ای از نمایندگان بر لزوم معاکمه جاسوسان آمریکائی تأکید کردند.

در جلسه بلنی دیروز مجلس حجت الاسلام هشتمی رفسنجانی فاش ساخت که «بنا به گزارشاتی که در دست داریم سازمان سیا دست‌اندرکار توطئه دیگری است که موفق نخواهد شد...»

جلسه بلنی دیروز مجلس ساعت ۱۰:۳۰ صبح به‌رواست حجت الاسلام هشتمی رفسنجانی و با حضور ۱۸۱ تن از نمایندگان رسمیت یافت. در ابتدای جلسه حسین لولسانی نماینده تهران طی سخنانی از لزوم فعالیت‌های تبلیغاتی در جهت خنثی کردن تبلیغات مسوم امپریالیستی علیه انقلاب اسلامی ایران یاد کرد و گفت: «در حالیکه ما را محاصره نظامی و اقتصادی می‌کند باید بگذاریم که از نظر فرهنگی هم متزوی شده و در محاصره قرار بگیریم. تبلیغات سوء به شدت علیه ما جریان دارد و وزارت ارشاد ملی چه به‌عمد و یا به سهو کاری صورت نمیدهد...» وی افزود علاوه بر آن باید در مردم خودمان روحیه زمی را حفظ کنیم و گسترش دهیم و آنها را برای مقابله با هر تهدید و توطئه‌ای آماده کنیم. ما هنوز اقتصاد اسلامی سالم نداریم و اقتصاد ما هرگز اکنون دنباله همان اقتصاد غریب زمان طاغوت نیست... وی در پایان سخنانش خواهان انتشار بیان سود و زبان بانکها و اعلام علت تأخیر در این کار شد.

تعلق بدمی قبل از دستور احمد همتی نماینده مشکین‌شهر در قسمتی از سخنانش ضمن شرح محرومیتها و فقر حوزه انتخابیه خود گفت در حوزه انتخابیه من مادکة انقلاب و جهاد سزندگی خیلی ضعیف هستند و جهاد سزندگی حتی از داشتن یولنزر و ماشینهای کشاورزی محروم است...»

محمد محمدی نماینده گران تعلق بدمی گفت «دیروز آقای منتظری می‌گفت که از اعتراضات نامه‌های داشته است که در طی آن از تفرقه در صفوف انقلابیون ایران اظهار نگرانی می‌کرده است...»
پروزی انقلاب ایران به‌تصنیر امام بعد از ایمان وحدت بود... ولی این انجام می‌شود که باعث دلبری مردم بخصوص جوانان می‌گردد. بعنوان مثال روشی که در آموزش و پرورش در استخدام آموزگاران وجود دارد و مشاالاتی که از آنها می‌شود متغیر به‌دلبری جوانان مؤمن و انقلابی و محروم شدن ما از بهترین نیروهایمان می‌شود...»
آخرین تعلق قبل از دستور جلسه دیروز محسن مجتهد شبستری نماینده تهران ضمن ستایش از مبارزات دلیرانه دانشجویان ایرانی در انگلستان و محکوم نمودن عمل پلیس آن کشور در سرکوب دانشجویان از این دلیران بعنوان سفرهای انقلاب اسلامی ایران، تهنیت و به‌آنها درود فرستاد. وی خطاب به نمایندگان مجلس گفت: «هر روز مردم غیور و مبارز تهران با اجتماع خود در مقابل ستیز انگلستان از این جوانان

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

قیام می ام تیر

در آغاز سال ۱۳۳۱ وضع مصدق «به استحکام سابق» نبود. ترکیب مجلس هفدهم به شدت به زیان او بود...

«دولت ایران چند بار کبیا و شفاها از کشورهای متحده آمریکا درخواست وام و کمک مالی مستقیم کرده است که مشکلات ناشی از قطع هوید نفت را حل کند...

این اعلامیه وزارت خارجه آمریکا نقض صریح تعهداتی بود که ظاهراً مقامات رسمی آمریکا و از جمله شخص ترومن به مصدق داده بودند...

تا مجلس اعتبار نامه ها را تصویب کرده و به طور کامل آماده کار شود موعد اجلاس دادگاه لاهه رسید که می بایست به شکایت انگلیس علیه ملی کردن نفت ایران رسیدگی کند...

زور آزادی در موقع انتخاب ریاست مجلس چند نکه را روشن می کرد: نخست این که موقیت مصدق در مجلس حتی پیش از آن ضعیف است...

با توجه به این امکان، اشرف پهلوی که چند ماه پیش از کشور اخراج شده بود در نیمه تیر به تهران بازگشت و در تدارک جانشینی قوام به جای مصدق فعالیت کرد...

روز ۱۴ تیرماه مجلس اعلام آمادگی کرد. همان روز نیز مصدق استعفا داد. برای تعیین نخست وزیر رأی تمایل گرفته شد...

«من برای آن پست وزارت جنگ را خواستم که می دانستم کوتایبی در شرف تکوین است. با تصدی وزارت جنگ نیروهای متحرک در مرکز را متلاشی نمودم...

- ۱. فواد روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، صفحه ۲۵۷.
۲. خاطرات آیدن، ترجمه کاوه دهگان، تهران، نشراندیشه، صفحه ۲۹۱.
۳. سخنان مصدق خطاب به فراکسیون نهضت ملی در مجلس، نقل از بانک مردم به جای سبوی آینده، ۲۸ اسفندماه ۱۳۳۱.

به نظر می رسد که شاه تقاضای اختیارات اترجانب مصدق را فرصت مناسبی برای سرنگونی او یافت. برای مخالفت با اختیارات مصدق به مرتب بیشتری از نمایندگان مجلس را تجهیز کرد...

«دولت ایران چند بار کبیا و شفاها از کشورهای متحده آمریکا درخواست وام و کمک مالی مستقیم کرده است که مشکلات ناشی از قطع هوید نفت را حل کند...

صدای قوام از جای گرمی می آمد. حتی نزدیکان او گمان می کردند که قوام با اختیارات کاملی آمده و قادر است مجلس را منحل کرده و تهدیدهای خود را عملی سازد...

«بارو خیلی محکم حرف می زند» گفت لایه حساب های کرده و بی خود حرف نمی زند. نیک پور گفت: «دیروز قوام السلطه پیش والا حضرت اشرف بود...

ارستجانی به رابطه مستقیمی که میان قوام و سفارت خانه های آمریکا و انگلیس وجود داشته و او مراوده میان آنان را به چشم دیده اشاره می کند و می نویسد: «خواسم با قوام صحبت کنم...

به این ترتیب قوام السلطه با این اطمینان روی کار آمد که چون حمایت مراکز قدرت داخلی و خارجی را دارد و با پایداری چندانی از طرف مردم رویه رو نخواهد شد...

«اعلیحضرت با پیشنهاد من موافقت فرموده و بیختم داده است که محور فرمان انحلال ماست نماند... در این صورت تسلط بر اوضاع کار بسیار ساده ای است...

اما تسلط بر اوضاع برخلاف تصور قوام کار ساده ای نبود و با گذشت زمان و با شرکت هر چه وسیع تر مردم در مبارزه ضد دولتی این کار دشوار و دشوارتر می شد...

- ۴. خاطرات حسن ارستجانی، خوانندگیا، شماره ۸۷، ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱.
۵. همان جا.
۶. همان جا.
۷. روزنامه کیهان، ۲۷ تیرماه ۱۳۳۱.

می شد. عصر ۲۸ تیرماه با ورود حزب توده ایران به صحنه تیرماه اوضاع در پایتخت تغییر کرد و چنان وضعی ایجاد شد که هیچ کسی از قبل، پیش بینی و یا تصور آن را نکرده بود...

در صفوف حزب توده ایران، چنان که در صفحات پیش گفتیم برخورد دوگانه ای نسبت به حکومت مصدق وجود داشت. از یک سو عدم قاطعیت مصدق، بازی مدام و پایان ناپذیر او با آمریکا، گذشت فراوانش به شاه، بی توجهی مطلقش به نیازهای اجتماعی توده زحمتکش، حزب را از مصدق دور می کرد...

منااسات حزب توده ایران با مصدق ربه سردی رفته بود. حزب توده ایران در پیدایش چنان مجلسی مصدق را هم نگاهار می دانست که عدداً و به زور از ورود نمایندگان حزب توده ایران به مجلس جلوگیری کرد...

با وجود همه این ها وقتی لحظه خطر و حساس رسید مشی سال انقلابی در حزب توده ایران بر همه سوء تفاهات فاتق آمد. حزب تصمیم به دفاع از مصدق و مقابله با قوام گرفت و نخستین تماس ها با حزب ایران و جناح مصدقی جبهه ملی از ۲۷ تیرماه برقرار شد...

دعوت به عمل آورد. در اتخاذ این تصمیم درست، توده مردم زحمتکش و توده حزب به رهبری کمک فراوان کرد. شش انقلابی توده ها به آنان هشدار می داد که علی رغم همه کاستی ها که مصدق دارد، در قبال مزدوران شائسته شده ای چون قوام باید از او حمایت کرد...

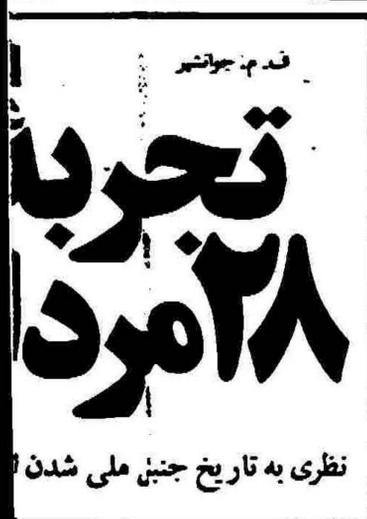
به روش های قاطع و انقلابی روی می آوردند. تعطیل بازارها و سمت می یافت و با تظاهرات توده ای در می آمیخت. این روح انقلابی در تصمیم رهبری حزب ما منعکس شد...

آیت الله کاشانی که قبل از تیرماه از مصدق فاصله گرفته بود و جناح راست جبهه ملی می گوید او را به سوی خود جلب کند در مورد نخست وزیر قوام موضع درستی اتخاذ کرد و علیه او برخاست. خود قوام نیز به این امر کمک کرد. در اعلامیه ای که قوام صادر کرد حمله های آشکاری به شخص کاشانی و جناح او وجود داشت...

«امروز جنگ جلد بین دوصف حق و باطل است. اعمال احمد قوام که تنها برای جاه طلبی و ورگشت انگلیسی ها و استعمار است نباید به دست شای انجام و شمارا در مقابل خون ها و حق کشی ها مسئول کند...» کاشانی در اعلامیه دیگری خطاب به مردم تأکید کرد:

- ۸- روزنامه کیهان، ۲۹ تیرماه ۱۳۳۱.
۹- روزنامه کیهان، ۲۸ تیرماه ۱۳۳۱.
۱۰- اعلامیه قوام، روزنامه کیهان، ۲۶ تیرماه ۱۳۳۱.
۱۱- روزنامه کیهان، ۲۸ تیرماه ۱۳۳۱.
۱۲- همان جا.
۱۳- روزنامه کیهان، ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱.

قلعه مردوم، از کهنه کزنی حزب توده



نظری به تاریخ جنبش ملی شدن

بار دیگر در آستانه ۸ فروردین قرار داریم. فاعمه بزرگی در تاریخ میهن است. روزی که برای که دوره استقلال و آزادی رقی ایران موجدید است...

ما همین که خوانندین کتاب مبارزانه با ارزش را به همه کسانی گویای حقیقت اند، به مناسبت سالگرد کودتای مرداد، پیشنهاد می کنیم...

دخستین توطئه آشکارا با تالیفهای آمریکایی و دیوار پهلوی برای سرکشی آزادبخت سافط کردن حکومت ضدملی و کارآوردن روزگار...

حزب توده ایران اعتصاب سیاسام کارخانه ها و مز گرفت. ترکیب طبقاتی جبهه ملی به طور کیفی نسبت شعارهای مبارزه و خواستار زین نیز تکامل یافت...

تأثراً از لحاظ فنی به خبیاتی و سازماندهی داشتند و می توانستند به مقابله های مسلح بروند. ورود حزب توده ایران به صحنه نهضتین آثار تزلزل یافت. اعضا و هواداران حزب تودان (سازمان آفری)

خبرهایی که بعدها متبذد نشان داد که از ایران به نبرد آشکار ضد قوام سازشکار و خائنی مصدق جا گرفته بودند بیش از آن که تکیه افاده و سازش هر چه سریع تر و سرکفاطع تظاهرات مردم حزب زحمتکش بقای همان ۲۷ تیرماه ذکر عیب به ملاقات قوام فرستاد. این سبب که با توصیه، تم جاسوس آمریکا تشکیل شده بود...

عجربه مرداد

ریخ جنبش ملی شدن نفت ایران

روایتی است که در آن روزها در تهران می‌گذشت. روزی که با یادآور تاریخ مهر است. روزی که برای همه آشنایی و آزادی می‌ایران بزمدهاند و می‌روند.

جاسوس انگلیسی که کودتای ۲۸ مرداد را امپریالیسم سرکشی امپریالیسم آمریکا که تصورات مردم ایران تحصیل کردند، این خورده انگلیس می‌بینند ایران نظام جمهوری که می‌خواهد بازگردد ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مردم کتب ما را سرگرمی با ما در آورند، برای نیل بیانی، به یک تاریخ جنبش آزادیبخش ملی شد. آنچه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مندرج شد. در تعریف برای است. از همان کودتای ۲۸ مرداد مستقیم گردانید. این تعریف در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برای نگار ۲۸ مرداد، از روایتی است.

من ساعتی از بهترین مورخ تاریخ ایران در آن روزها می‌بودم. چندی پیش ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رفیق ف. م. جوانمیران انتشارت که خواندن کتاب بسیار عالی و فوق العاده است. کسانی که برای حقیقت اند، توصیه کنیم. در کودتای ۲۸ مرداد، بخشهایی از کتاب را که در آن روزها در امپریالیسم، سرکشی امپریالیسم و کوب جنبش آزادیبخش ملی ایران و ماسک کردن انونی مندرج است. نوشته‌هایی که سرانجام به ۱۳۳۲ انتشار حکومت دست‌نشانده محمد علی می‌کنند.

این کار را با اینطور نوشتن ماسک تاریخ نیست. که لازم است. بلکه بویژه گرفتن دوس از تاریخ نوشته‌های امپریالیسم در لفظه کنونی و نجات ملی اسلامی است.

آنان اجازه دهیم با ماتلاف کند. ۱۵

«حزب زحمتکش» که در واقع شبه‌ای از سازمان جاسوسی آمریکا در ایران بود، بهانه می‌تراشید که با احزابی که «وابسته» بیگانه‌اند! نمی‌تواند ائتلاف کند. [چقدر شبه همین روزگار است! امیر انتظام‌ها و دربار علوی‌هایی که حتی پس از پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ با لباس تمام رسمی ملاقات‌های مکرر محرمانه با مأموران سازمان‌های جاسوسی آمریکا داشته‌اند و دارند همان‌هایی هستند که حزب توده ایران را «وابسته» معرفی می‌کنند و از شرکت آن در انقلاب نگرانند.]

با وجود تلاش همه جانبه ضد انقلاب، قیام مردم گسترش یافت. شرکت حزب توده ایران در مبارزه و وسعت تظاهرات مردم محافل ضد انقلابی را چنان غافل گیر کرد که فرصتی برای تفکر و تصمیم‌گیری نداشتند.

«مردم خیلی خسته و ناتوان به نظر می‌رسید. حالش بد بود که زیر بغلش را می‌گرفتند... با آبیول کسی حالش بهتر شد... خبرهای ضد و نقیصی می‌رسید، واقعا گویج کننده بود... ناصر ذوالفقاری هرق و بران از شهر رسید. گفت شهر شلوغ شده است... ما با همه چیز خودمان بازی کرده‌ایم. این که کار نمی‌شود اگر قرار باشد با سهل انگاری کار صورت دیگری پیدا کند وضع ما به خطر خواهد افتاد... باید از دربار تقاضا کنیم کار یکسر شود.

قوام السلطنه در تمام این مدت در حال احسا بود... ضربان قلبش نامنظم و ضعف فوق العاده بر او منطبق بود به طوری که کسی موفق نمی‌شد بر چهره‌هایش را به اطلاع او برساند... علا وزیر دربار و یزدان پناه آمدند. ساعت ۲/۵ بعد از ظهر... ملا گفت: قربان نزدیک پناهده نظر گرفته شده‌اند. شهر خیلی شلوغ و خطرناک است... در تهران جوی خون جاری شده است... زد و خورد شدید بوده، وضع شهر انقلابی و خیلی وخیم است و باید چاره‌ای کرد... ۱۶

گویی شاید در نظر اول عجیب بنمایند زیرا سی ام تیر ظاهراً موجب آن شد که دو جناح جنبه ملی که قبل از برکناری مصدق آشکارا از هم جدا شده بودند برای مقابله با قیام به هم پیوندند. به علاوه گروه قابل ملاحظه‌ای از وکلای درباری مجلس شورا و سا نیز پس از سی ام تیر به مصدق رأی اعتماد داده و اختیارات او را تصویب کردند. اما این نوع همکاری ظاهری بود. بهر حال از جلو صحنه به پشت پرده رفته و توطئه‌گری تشدید شده بود. نه فقط دربار و وکلای درباری وابسته به امپریالیسم یا وجود رأی که در ظاهر به مصدق می‌دادند بر اثر قیام سی ام تیر از او دورتر شده بودند، بلکه عدای از نمایندگان هوادار مصدق نیز- به طوری که بعدها معلوم شد- در این روزها از مصدق جدا شده در پشت سر به صف دشمن پیوستند. قاطعیتی که مردم در سی ام تیر نشان دادند، این رفیقان نیمه راه را به شدت وحشت زده کرده بود. همین وحشت محافل یوزروایی از توده‌ها زنده‌ای به دست دربار و محافل امپریالیستی می‌داد که پس از عقب نشینی سریع سی ام تیر هیچ‌کس جنبشی را بلافاصله تدارک بیند.

از میان احزاب و سازمان‌های سیاسی ملی و یا مدعی ملی بودن، متأسفانه هیچ یک- به جز حزب توده ایران - حوادث سی ام تیر را تحلیل نکرد و از آن نتایج لازم را نگرفت. از طرف هیچ یک از احزاب و سازمان‌های وابسته به جنبه ملی و هوادار مصدق تاکنون سندی، تحلیلی، تصمیمی در این باره منتشر نشده و در واقع چنین چیزی وجود ندارد.

تنها حزب توده ایران بود که این حوادث را تحلیل کرد و مهم‌ترین نتیجه‌ای که گرفت این بود که پیروزی سی ام تیر قطعی نیست، ارتجاع و امپریالیسم دست از توطئه برنخواهند داشت و این بار نمی‌توان ماند سی ام تیر تا تأخیر در اتحاد نیروها و با دست خالی جلوتانک رفت و پیروزی. این مطلب در انتشارات فرمانداری نظامی و ساواک به شرح زیر متعکس شده است:

است که گویا حزب ۲۸ مرداد ۱۲ هزار نارنجیک ساخت خود داشته است به کلی دروغ است. به نظر کلی در ماه‌های پیش از ۲۸ مرداد شمار حزب افشای توطئه‌های کودتا، تجهیز مردم برای مقابله با این خطر و واداشتن دکرصدق به اقدامات جدی برای خنثی کردن توطئه‌ها بود.

در این باره که برای یک حزب مخفی تهیه پنهانی سلاح برای دفاع از دولتی که روی کار است، چه دشواری‌های سیاسی و فنی بزرگی دارد، نیازی به توضیح بیشتری نیست. آنچه اکنون باید گفت این است که حزب توده ایران از حوادث تیرماه ۱۳۳۱ این نتیجه اصلی را گرفت که باید شمار تشکیل جنبه واحد ملی و دفاع از حکومت مصدق را با پی گیری به مراتب بیشتری دنبال کرد. تدابیری هم که برای مسلح کردن حزب اتخاذ می‌شد برای دفاع از حکومت مصدق بود و نه برای سرنگون کردن آن. به همین دلیل هم تا ۲۸ مرداد اجرای آن مقدر نبود.

از سی ام تیر تا کودتای نافرجام شهریور-مهر ۱۳۳۱ پس از سی ام تیرماه تفرق مصدق از امپریالیسم انگلیسی باز هم بیشتر شد. او طی دوامه مرداد- شهریور ۳۱ چنین ضربت کاری به انگلستان وارد آورد: بانک شاهنشاهی انگلیس پس از ۳۳ سال فعالیت خرابکارانه تعطیل شد، مواضع عمال بریتانیا در مجلس تأخیر زیادی آسیب دیده، عدای از افسران ارتش نزدیک به انگلستان از کارهای حساس برکنار شدند، صحبت قطع ارتباط با انگلستان رفته رفته سر زبان‌ها افتاد.

- ۱۲- بحث‌های درون حزب زحمتکش، روزنامه کیهان، ۲۲ مرداد ۱۳۳۱.
۱۳- دفاع دکتر مطهری در دادگاه، روزنامه اطلاعات، ۲۵ آذرماه ۱۳۳۰.
۱۴- خاطرات ارستینجی، خوانندگی، شماره ۹۵، سال ۱۳۳۱.
۱۵- در ده‌های سیوی آینده، مرداد ۱۳۳۱.
۱۶- سیرکوشم در ایران، انتشارات فرمانداری نظامی تهران، چاپ کیهان، تهران، ۱۳۳۶، صفحه ۵۷۱.
۱۷- کمونیزم در ایران، منتخب به سرنگ ستاد علی زبانی (چاپخانه حرف اولی)، تهران، ۱۳۳۲، صفحه ۵۷۱.

تحریرات

نظری به تاریخ جنبش

دولت انگلیس را قطع کرد. در فرهای واحدهای به تصویب مجلس رسانید که مجلس شورا دسوال تعیین شد. و بنابراین دسوال طول کشیده بود پایان یافته تلقی معقد در چند ضربت متوالی به دربار کانونهای کودتا را کوبید و وضع خود این افسانهات فقط از جانب نزدیکترین یاران معقد (فاطمی) کامل قرار گرفت.

اکثریت قاطع رهبران جبهه ما جبهه ملی آشکار و نهان از معقد قاص مخالفان او بودند.

در برابر قطع رابطه ایران و انگلیس این اقدام دولت معقد خطر امیر دشواریهایی را که از باز گذاشتن دولت حاصل می شود بر می شمرد. «جمعیت از مردم دعوت می کرد که از دولت بنحوا

۱- نمایندگان ملت
۲- کلبه جاسوسها
اصل چهارم غیره سراسر که مؤسسات جاسوسی آنها را با تأمین آزادی نیروی خود را تجهیز کند.
۴- صنایع ملی نفت

حزب توده ایران توضیح می دهد
امپریالیستی آمریکا و انگلیس و مؤسسه دیپلماتیک نیستند. کانونهای خرابی دیپلماتیک دارند. این لانه های جاسوس «بسی آینه» می نوشت:

«جاسوسان دیپلمات نمای سفارتخانه های انگلستان و جانیاتند. باید این لانه های جاسوس را به حفظ روابط آمریکا به هیچ وجه علاقه انگلستان مراکز جاسوسی، فو مأمورین نظامی و کارشناسی لانه های جاسوس باشد این لانه های جاسوس را انترنچ کرد. این است خط متأسفانه آن روز به این خواست جاسوسی امپریالیستی مورد حمایت هم مستقیماً کودتای ۲۸ مرداد را به ثمر رساند امروز این خواست ملت پس از ۲۷ سال مسلمانان پیرو خط امام» لانه جاسوسی بودن آن را به اثبات رسانیده اند.

حمایت ما از امام خمینی و برعکس ادعای خرابکاران و برعکس نیست، محصول چهل سال نبرد ضدامپریالیستی کاران است.

- به سوی توطئه نهم افسند**
- بایز سال ۱۳۳۱ (۱۹۵۲) محبت استراتژی معقد بود که می خواست با «کمونیسم»، نبرد خود را با استثمار انگ آمریکا که پس از جنگ دوم جهانی به در این لحظات به نقطه عطفی می رسید. سیاست خشن و تجاوزکارانه ترومن را می نایند و طلب می کردند که در «جلوگیری از گسترش کمونیسم» سیاست پیش گرفته شود. تئوریهایی سیاسی-مهرماه ۱۳۳۱
- ۲۱- بنایه جمعیت ملی مبارزه با جانشین بسوی آینده) ۲۵ مهرماه حسن فاطمی به وزارت امور خارجه نخستین اقدام سیاسی او در این مقام ۲۰- دموکراسی نوین (بست و چند مهرماه ۱۳۳۱

کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از تلافی کودتای کورن و یادآوری بی توجهی های معقد به هشدارهای مکرر حزب می نویسد:

«ما بازم می گوئیم هر گونه دستبرد جدیدی که از طرف امپریالیست ها به حقوق ملت ایران زده شود، اگر چه ظاهراً قانون برکناری شما از نخست وزیری باشد مستقیماً متوجه شخص شماست.» ۲۳

در این روزها حزب توده ایران برای جلوگیری از کودتا به سنای واقعی کتبه با اتمام توان می ریزد و بدون توجه به فشارهایی که بر حزب وارد می آمد با شهادتی شایان تحسین به افسران و سربازان ارتش شاهنشاهی خطاب می کرد و از آن ها می خواست که انضباط کورن را بشکنند و دستورات ضد ملی مافوق را اجرا نکنند.

در بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به سربازان و افسران که در همین زمان منتشر شد و به وسعت در سربازخانه ها پخش شد از جمله گفته می شود:

«برادران سربازان و افسران! ... هر کس به شما فرمان حمله و هجوم به ملت میدهد قاتل است دستورش را اجرا نکنید، بی درنگ سر نیزه ها را به سوی خود او برگردانید چنین شخصی پاداشی جز گلوله ندارد.» ۲۴

در مطبوعات حزبی از مردم و سربازان دعوت می شد که کودتا را به ضد کودتا بدل کنند. در این روزها جملاتی از نوع:

«باید کودتا را به جنگ بر ضد کودتا چنان مبدل ساخت.» ۲۵

«جنگ بر ضد کودتا از هم اکنون باید شماره باشد.» ۲۶

در مطبوعات حزب فراوان بود. پس از ۲۸ مرداد کارشناسان جنگ روانی و مرتدین و دوستان نیمه راه، رهبری حزب را به باد ناسزا گرفتند که دائماً شمار می داد جنگ بر ضد کودتا اما خود کاری نمی کرد. این گونه حرف ها را اگر از کمیته ضد توده ای و قصد تحریک روحیه مبارزان خالی کنید چیزی جز حرف مفت در آن ها باقی نمی ماند.

اولاً، حزب توده ایران در همین زمان و بعدها ضمن تأکید به صورت بدل کردن کودتا به جنگ بر ضد آن این نکته را هم به طور مداوم و هم زمان تأکید می کرد که این کار جز از طریق اقدام مشترک همه نیروها و جز از طریق تأمین آزادی مقنن نیست. دشمنان، طبق مصول لاله را از لاله جدا کرده اند.

حزب توده ایران می نوشت:

«مردم را آزاد بگذارید تا بساط کودتا و کودتاچیان را در هم ریزند... برادران نظامی! ما می توانیم به اتفاق هم ... کلاه قدرت پوتالی کودتاچیان را در هم بریزیم. شما می توانید در کنار فرزندان ملت دشمنان ایران را سرکوب کنید.» ۲۷

«تشکیل جبهه متحد ضد استثمار جواب دندان شکن به امپریالیست های انگلیسی و آمریکایی است... بهترین پاسخ به توطئه گران تشکیل جبهه متحد ضد استثمار است.» ۲۸

ثانیاً، حزب توده ایران توجه داشت که یک حزب پنهانی، حزبی که از همه طرف مورد هجوم است و کودتاچیان برای موقبت در توطئه های خویش آن را متمم به تدارک کودتا !! می کنند، نمی تواند در زیر حکومت معقد- که مورد حمایت است- متغیانه مسلح شود. مادر صناعات پیش تصنیفات حزب را در این باره و دشواری های اجرایی آن را یاد کردیم. بنابراین حزب توده ایران در نامه به معقد تأکید کرد که اگر کودتایی موفق شود مسئولیت آن مستقیماً متوجه شماست!! چرا که اقدامی برای سرکوب آن نکرده اند.

با در نظر گرفتن مجموعه این مطالب و در رابطه مقابل آن هاست که حزب توده ایران از بدل کردن کودتا به جنگ بر ضد کودتا سخن می گوید که حرفی منطقی و درست است. دعوت است، هشدار است، که اگر مورد توجه قرار می گرفت ۲۸ مرداد پیش نمی آمد.

ولی متأسفانه این هشدارها مورد توجه قرار نمی گرفت. در شهریور ماه ۱۳۳۱ هم اطرافیان معقد و رهبران جبهه ملی هشدار حزب توده ایران را به هیچ گرفتند. به جای توجه به هشدار آزاد گذاشتن حزب برای دفاع از نهضت بر فشار خود افزودند. جناح راست جبهه ملی که در کودتا شرکت داشت و یا از آن بخش نمی آمد به هشدار حزب توجه نکرد، هیچ، که طلیکار هم شد و حزب ما را به تحریک افکار مردم متمم کرد. با این حال هشدار حزب به هر صورت اثر بخش بود. معقد هشیاستر شد. و به خبرهایی که از ارتش می رسید توجه بیشتری کرد. این خبرها حاکی از این بود که لشکر گارد شاهنشاهی نیروی بزرگی در اطراف تهران متمرکز کرده و زیر پوشش «مأمورین نظامی» قصد حمله به تهران دارد. در روزهای آخر شهریور معقد دستور انحلال لشکر گارد و تقسیم آن به سه تیپ را صادر کرد و موقتاً نیروی متمرکز کودتا را پراکند. اما توطئه ادامه یافت تا این که سرانجام ۲۱ مهرماه ۱۳۳۱ وجود توطئه کودتا رسماً اعلام شد. سرانجام حجازی آبدون مخصوص شاه و برادران رشیدیان از تاجار بازار که با سفارت انگلیس رابطه داشتند دستگیر شدند. اعلام شد که ۷ ستائور (از جمله سرلشگر زاهدی)، ۴ نماینده مجلس (از جمله دکتر بقایی)، ۵ افسر ارتش و چندتن از اعضای خانواده سلطنتی در توطئه کودتا شرکت داشته اند.

معقد در آغاز با این کودتا به طور قاطع مقابله کرد. بنا به اصرار معقد اشرف پهلوی و هلکته مادر از کشور بیرون رفته به آمریکا پناه بردند. وسایل تبعید شاهپور علی رضا و چندتن دیگر از اعضای خاندان سلطنتی نیز فراهم شد. معقد در دشمنی با امپریالیسم انگلیس گام بزرگ دیگری به جلو برداشت و در ۳۰ مهرماه ۱۳۳۱ طی یادداشتی رابطه سیاسی ایران با

تدارک می شد فراهم نمایند.

چهارشنبه پنجم شهریور- چند ساعت پس از تسلیم پیام ترومن و پرچیل به معقد، مقرر بقایی لیدر حزب زحمتکش پهلوی مقرر کرد و اعلام داشت که به بهای خونریزی از شرکت توده ای ها در این مراسم جلوگیری خواهد کرد.

او در این پیام خطاب به مردم و مبارزان می نوشت:

«شما بروید ملتوت کنید! بیگانه پرستان!!! را ولو با ریختن خون باشد از این شتره شمس سربازان راه آزادی و استقلال برانید.» ۲۸

بقایی بعدها در دادگاه جنگجوی تدارک این خونریزی را تا حدی توضیح داد و روشن کرد که طرف خطاب او که برنده خون بریزند چه کسانی بوده اند.

مقرر بقایی می گوید:

«خبر شدم که توفیق محرمات ای شده است که توده ای ها هم به طور رسمی در مراسم چهارم شهدای می ام تیر شرکت کنند. این مطلب برای من غیر قابل تحمل بود. همان شب با حالت کسالت اعلامیه ای به دست خود نوشتم... مینی بر این که مردم (!!!) اجازه نخراند داد که بیگانه پرستان (!!!) در مراسم شهدای می ام تیر حاضر شوند.

پس از انتشار اعلامیه گرفتار مراجعیم شدم. اول آن وقتلین با حزب توده که من می دانستم، آمدند که این اعلامیه چیست؟ این ها هم ایرانی هستند و می خواهند از شما تجلیل کنند و بر عظمت تجلیل خواهد افزود.

این اصرار ملتی داشت و آن این که همان شب افراد حزب زحمتکش را فرستادم از سازمان های حزب دو ورومین و کرج و اطراف عده ای را با چوب و چماق آوزود و بردند این بابویه و گفتم به مسئولیت خودم، هر توده ای خواست بیاید اینجا فلتش را خرد کنید... فرستادگان معقد آمدند که این کار تو ایجاد جنجال می کند و الا آن یک محیط آرام لازم داریم.

چند نفر از وکلا و وزرا آمدند که نظر آقای دکتر معقد این است که اعلامیه را لغو کنید و اجازه دهید کمیته ها بیایند و عذاراری کنند... نصیحت و التماس و تهدید کردند که فردا خون می ریزد... هر چه گفتند زیر بار نرفتم... از طرف هیأت دولت آمدند رسماً در خواست کردند زیر بار نرفتم.

آن شب هیأت دولت نشست و تعریب نامه صادر کرد که مقررات حکومت نظامی برای ۱۲ ساعت ملغی می شود. سپس اعلامیه حزب توده ایران که مظاهرات در میدان تویزیه است.» ۲۹

علت این که بقایی با چنین اعتمادی دستور هیأت وزیران را هم زیر پا می گذاشت و جرأت می کرد روز روشن چماقدار استفاده کند و به جان مردم بیاندازد، حوادث پشت پرده بود که در آن وظیفه های هم به عهده بقایی گذاشته شده بود. درست در همان هفتم شهریور ماه «به سوی آینده» خبر داد که علی رضا پهلوی و گروهی از افسران خانن کودتایی را تدارک می کنند.» ۳۰

بقایی در این کودتا دست داشت و می خواست زمینه آن را فراهم کند.

روز چهارم شهدای می ام تیر حزب توده ایران درایت و انعطاف فراوانی از خود نشان داد. از رفتن به این بابویه خودداری کرد و میتیگی در میدان تویزیه برگزار کرد. در اعلامیه ای که از طرف «جمعیت ملی مبارزه با استثمار» منتشر شده بود تصریح می شد:

«مبارزان حقیقی ضد استثمار هرگز نمی خواهند که امکان اغلال گری به بقایی ها و اربابان آن ها بدهند.» ۳۱

«جمعیت ملی مبارزه با استثمار» باز و باز هم هیأت نیروهای صمدین ضد امپریالیست را به اتحاد دعوت می کرد و توضیح می داد:

«مقصود به هیچ وجه این نیست که جمعیت هم و احزاب مشکل در جبهه واحد ملی خط شش سیاسی و هدف مبارزه خود را تغییر دهند. پیشنهاد همکاری ما فقط روی موارد معینی است که جمعیت پیشنهاد کرده است.» ۳۲

مؤاد پیشتهادی «جمعیت ملی مبارزه با استثمار» عبارت بود از ملی کردن واقعی نفت، تأمین آزادی های دموکراتیک، بهبود وضع مردم، تذکرات مکرر حزب توده ایران در باره تدارک کودتا و ضرورت اتحاد نیروهای ملی برای رویارویی با آن متأسفانه آنهان که باید مورد توجه واقع نمی شد. ۱۶ شهریورماه ۱۳۳۱ کمیته مرکزی حزب توده ایران لازم دید که این مسایل مهم را طی یک نامه رسمی سرگشاده به اطلاع معقد برساند و او را در برابر مسئولیت های خود قرار دهد. در این نامه سرگشاده پس از توضیح هدف های عمومی امپریالیست ها و اعمال کودتاچی آنان در کشورهای مثل ایران گفته می شود که از مدت ها پیش تلاش برای برکناری دولت معقد وجود دارد. کودتاهای مکرر تدارک می شود ولی معقد توجه کافی نمی کند. کمیته مرکزی حزب توده ایران متذکر می شود که ما در بهمن ماه ۱۳۳۰ هشدار دادیم. توجه نشد، در نتیجه شبه کودتایی قوام پیش آمد، امروز هم خبر می دهیم، هشدار می دهیم، اگر توجه نشود نهضت ملی در خطر خواهد بود.

در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران سپس خطاب به معقد گفته می شود:

«امپریالیست ها به منظور مشوب کردن افکار در اطراف «کودتای چپ» سخن پردازی می کنند. امپریالیست ها از هم اکنون به دست مستشاران نظامی نقشه منضی درباره سرکوب نایش ها، مظاهرات توده ای از راه برادر کشی طرح کرده و برای اجرا آماده ساخته اند... کودتا با موقت آمریکا و انگلیس تدارک می شود... سرلشگر ارفع، سرلشگر حجازی، سرهنگ بنخیراه سرفنگ انزوی... در توطئه دخیل اند.»

۲۸- شامد، ششم شهریورماه ۱۳۳۱. (می بینید! بقایی ها- در واقع فقط بقایی ها مبارزان صمدین انقلابی که درست در زمانی که خودشان به دستور امپریالیست ها در کار تدارک توطئه اند، بیگانگی می نمایند!)

۲۹- دفاعیات دکتر بقایی، روزنامه اطلاعات، ۲ دی ماه ۱۳۳۰.

۳۰- رهبر مردم به جای بسوی آینده، ۷ شهریورماه ۱۳۳۱. (رهبر مردم دهمین روزنامه ای بود که پس از می ام تیر به جای بسوی آینده منتشر و بلافاصله از طرف فرمانداری نظامی توقیف می شدند. اما شامد با وجود خیانت آشکار مسئولین مطبوعاتی تا روز کودتای ۲۸ مرداد با خیال راحت منتشر می شد و کسی مزاحمت نبود).

۳۱- همان جا.

۳۲- آخرین علاج به جای بسوی آینده، ۱۳ شهریورماه ۱۳۳۱.

مصدق گرفته بودند و درست در زمانی که ترومن و پرچیل پیام می فرستادند عمال آنان در نهان کودتای جدیدی را تدارک می دیدند.

طبق معمول کودتا با حمله به حزب توده ایران، با جنجال تر سر «خطر کمونیسم»، «آب های گرم» و «لاطالاتی از این دست» که هنوز هم متأسفانه عده ای آن را به کار می گیرند- تدارک می شد. این جنجال ضد کمونیستی پرده دودی برای استار خطر واقعی ایجاد می کرد.

دبلی تلگرافی نوشت:

«هر گاه یک دولت توده ای زمام امور ایران را به دست گیرد دولت شوروی به آب های خلیج فارس دست خواهد یافت. بمن طریق خنثی غرب با بزرگ ترین خطر (!!!) بعد از جنگ روبرو خواهد شد.» ۲۲

گاردین اضافه می کرد:

«اگر دولت جدید نتواند اوضاع را بهبود بخشد یک دولت توده ای روی کار خواهد آمد.» ۲۳

فرانس پرس از واشنگتن خبر می داد:

«به عقیده وزارت خارجه آمریکا تا آخر سال جاری میلادی (۱۹۵۲) کمونیست ها ضرب شعنی برای به دست گرفتن قدرت در ایران نشان خواهند داد (!!!) تلگراف های ناراحت کننده و بی دری از سوی مدرسن به واشنگتن می رسد (!!!)

هنرسن مرتباً به واشنگتن اعلام خطر می کند.

آمریکا از نسبت اوضاع ایران کاملاً نوسید شده و ضد دارد این کشور را به حال خود بگذارد. وضع فعلی ایران راه خلیج فارس و نفت آبادان را به روی روس ها باز گذاشته است.» ۲۴

روزنامه های آن روز کشورهای سرمایه داری را که نگاه کیم پر از این جنجال ضد کمونیستی است. مطبوعات ایران نیز به وسعت آن را بازگو می کنند.

در پشت سر این جنجال ضد کمونیستی در واقع خود معادل امپریالیستی بودند که می خواستند ضرب شصت نشان داده و برای به دست گرفتن قدرت کودتا کنند.

می توان گفت که تدارک کودتا از همان عصر می ام تیر ۱۳۳۱ آغاز شد. از بعد از ظهر می ام تیر زمانی که حضور قاطع حزب توده ایران مردم را به سوی قیام برد و شاره های حزب همه جا رسوخ کرده دربار و معادل امپریالیستی که پشت سر قوام بودند ضمن عقب نشینی سریع در مقابل معقد، حمله گسترده ضد حزب توده ایران را آغاز کردند.

مقرر بقایی عامل سیا در ایران چنین می گوید:

«در غروب می ام تیر که کمیته ها و مرتلین آن ها می خواستند دانه جریان را به تغییر رژیم بکشانند من و دوستانم ترمزی بودیم که آنان را به جای خود نشانیم... در جلو حزب زحمتکش توده ای ها هم بودند. شمار دادند که حالا قوام رفته باید رژیم عوض شود... ماسرگند خوردیم که به مقام سلطنت وفادار باشیم.» ۲۵

از همان غروب می ام تیر- که بقایی از آن یاد می کند- مأمورین به اصطلاح انتظامی تا جایی که می توانستند به حزب توده ایران می ناخندند. فردای می ام تیر دست مأمورین پلیس و ارتش در مضرورب کردن توده ای ها که شمار ضد سلطنت داده و شاه را در توطئه قوام شریک می دانستند کاملاً باز بود. تا جایی که رئیس شهربانی در پیامی علیه حزب توده ایران- که از رادیوی دولتی زیر نظر معقد چندین بار پخش شد- بدترین ناسزاها را تاز حزب توده ایران می کرد و می گفت:

«عده ای ز مناصر و عمال اجانب (!!!) ... به انجام مقاصد شومی اشتغال ورزیده اند. منویات آن ها فقط وطن فروشی است... عملیات خائانه فقط مطلوب خائین است... به مقدمات ملی توهم می کنند... در آینده به احدی اجازه تحقیر و اهانت داده نخواهد شد. کمترین تظاهر مخالف منسلط و حیثیت کشن... سرکوب...» ۲۶

[چه دنیای داریم! چه کسانی چه کسانی را عامل اجنبی و وطن فروش مینامند!]

مصدق در روزهای آخر تیرماه برای جلب اطمینان خاطر شاه پشت قرآن را امضا کرده و برای او فرستاده بود.

مصدق در این قرآن تقدیمی نوشت:

«دشمن قرآن باشد اگر بخوام بر خلاف قانون اساسی عمل کنم. و همچنین اگر قانون اساسی را نقض کند و رژیم مملکت را تغییر دهند من ریاست جمهوری را قبول نمیام.» ۲۷

مصدق با چنین تمهیدی که داشت لازم می دید دست پلیس را در سرکوب مخالفین شاه باز گذارد تا مبادا به اقدام خلاف قانون اساسی متمم شود. اکثریت قاطع اطرافیان او رهبران جبهه ملی نیز سلطنت طلب بودند و از این که شمار عگ شاه از طرف حزب توده ایران به میان مردم برده می شود نگران می شدند. آنان نیز فشار پلیس شاه را به مردم تأیید کرده و با لائل در برابر آن سکوت می کردند. توطئه گران درباری از این فرصت حداکثر استفاده را می بردند. آنان نیروهای پلیس- نظامی را به نام مقابله با شماره های ضد سلطنتی و ضد آمریکایی حزب توده ایران، برای کودتا تجهیز می کردند و محیط فشار و تشنج ضد کمونیستی پدید می آوردند که مناسب ترین محیط برای پیروزی یک کودتای ضد ملی است.

این تشنج در آغاز شهریورماه ۳۱ بسیار تشدید شد. همزمان با پیام اولتیماتوم وار ترومن و پرچیل به معقد که روز پنجم شهریور به او داده شد، محافل خرابکار و توطئه گر دست به تحریرک ملتی زدند. چهارم شهدای می ام تیر که می بایست روز جمعه هفتم شهریور برگزار شود دستاویزی در دست آن ها شد. قرار بود در این روز مراسم مشترکی از جانب توده ای ها و معقدی ها در این بابویه برگزار شود. این مراسم می توانست تأییدی بر تشکیل جبهه واحد ضد استثمار باشد و پایه های آن را مستحکم تر کند. این رویداد سالم مورد کینه خرابکاران و عوامل امپریالیسم بود. آن ها دست به کار شدند تا چهارم شهدا را به ۲۳ تیر دیگری بدل کنند اتحاد را بشکنند، معقد را تضعیف نمایند، وزیر را برای موقبت کودتایی نظامی که در پشت پرده

۲۲- روزنامه «کیهان» ۱۶ مردادماه ۱۳۳۱.

۲۳- همان جا.

۲۴- روزنامه «کیهان» ۵ مهرماه ۱۳۳۱.

۲۵- مطبوعاتی، دفع در دادگاه، روزنامه اطلاعات، ۹ دی ماه ۱۳۳۰.

۲۶- روزنامه «کیهان»، چهارم مردادماه ۱۳۳۱.

۲۷- پیام رادوبی معقد، ۱۶ فروردین ماه ۱۳۳۲، روزنامه اطلاعات، همان روز.

برپاورداد ملی شدن نفت ایران

آن روز (اول آبان ماه ۱۳۳۱) ماده ۲۰ موجب آن دوره مجلس سنا مانند دوره کنونی مجلس سنا که پیش از آن سنا، سفارت انگلیس و لشکر گارد را موقتاً تثبیت کرد.

حزب توده ایران و نهی چند از شایگان، تریمان... مورد تأیید و اعزاز و سازمان‌های وابسته به آن گرفته و با قاطعیت بیشتری به صف می‌حزب توده ایران ضمن تأیید کامل پالیسی آمریکا را متذکر می‌شد و

تأیید پالیسی آمریکا در کشور ما، ملی مبارزه با استعمار، ملی بیانی‌های هند: به جزی آمریکا از کشور ما طرد شوند.

نکلیس و آمریکایی را از ایران برانند. آمریکا کانون‌های تحریک و توطئه و سیاسی با تخیل کرد... سفارتخانه‌های دول آمریکا و اد توطئه و تحریک است.

تلاش صدق برای جلب همکاری آمریکا، چنان که گفته شد در این ۲۱ بهام صدق به ترومن، مورخ ۳۰ خردادماه ۱۳۳۰، روزنامه کیهان، ۲۲ بهام صدق به ترومن و چرچیل، روزنامه کیهان، ۵ مهرماه ۱۳۳۱، ۲۳ بهام صدق از نفت در نزد ترومن، ترومن حسن صدر، چاپ تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۷، صفحات ۵۴ و ۱۱ - تکرار از است ۲۲ خردادماه، ۲۹ مهرماه ۱۳۳۱ - تکرار از است.

سیاست «جنگ‌جویی» کافی نیست چرا که به‌صرف «تداومی» است. باید سیاست «رهایی» را پیش گرفت که مبتنی بر «تفاهم» و «بورش» باشد. نمایندگان انحصارات امپریالیستی آمریکا می‌خواستند که آمریکا در همه جبهه‌ها به تفاهم دست‌زد.

این محافل «کمونیستی» بود و هست) و این هدف را در برابر خویش قرار دهد که سیستم جهانی سوسیالیستی را بشکند، کشورهایی را که پس از جنگ به اردوگاه سوسیالیسم پیوسته‌اند «آزاد» کند، سوسیالیسم را به مرزهای عقب براند و سپس در درون این مرزها «خفه» کند.

این سیاست خارجی هارویی ملاحظه، از سیاست داخلی فاشیست مآبی که انحصارات امپریالیستی در درون ایالات متحده آمریکا پیش گرفته بودند سرچشمه می‌گرفت. این سیاست خشن داخلی به نام ستاور مرتجع و فاشیست مک کارتی، که معروفیت نامیوم در تاریخ معاصر آمریکا کسب کرده، «مک کارتیسم» نامیده می‌شد. مک کارتی مرتجع ترین نیروهای جنایت کار و نژادپرست آمریکا را دور خود جمع کرد و به بهانه «مبارزه با کمونیسم»، همه آثار دمکراسی بورژوازی را زیر خوره گرفت.

مک کارتیسم به مثابه فاشیسم نوع آمریکایی شناخته شد. کتاب سوزان، نقیض عقاید، سرکوب جنبش‌های کارگری و مترقی، عدم تحمل در برابر هر عقیده مخالف، ایجاد شبکه وسیع خبرچیان و جاسوسان، روش روزمره مک کارتیسم بود.

امروز که به این تاریخ از فاصله زمانی می‌نگریم از کوه بینی سیاست‌سازان امپریالیستی جهانی دچار شگفتی می‌شویم. هیچ یک از خواب‌های آنان در طول زمان تعبیر نشد و آنان نتوانستند با تفاهم خود جلو پیشرفت انقلاب جهانی را بگیرند. مارش پیروزانده انقلاب جهانی با گام‌های شایسته پیش رفت و پیش می‌رود.

اما در آن زمان هنوز کوه بینیان آرزو مند سلطه جهانی در آمریکا و همه کشورهای امپریالیستی قدرتی نداشتند. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که در پاییز ۱۹۵۲ (۱۳۳۱) انجام شد تحت تأثیر متقیم همین سلطه بویان قرار داشت. محافل ارتجاعی و تجاویز امپریالیستی ترومن و حزب دموکرات را - با وجود آن همه تلاش تجاویز کارانه، با وجود هیروشیما، جنگ کره، محاصره اقتصادی اردوگاه سوسیالیسم، ایجاد پیمان‌های تجاویز کار - به حد کافی جنگ طلب و مهاجم نمی‌دانستند. آنان گروه آیزنهاور - دالسی از حزب جمهوری خواه را بر سر کار آوردند که در تاریخ معاصر آمریکا به کابینه ۱۷ میلیون معروف است و در سیاست جهانی با تشدید بی سابقه جنگ سرد و گسترش پیمان‌های نظامی، تقویت «سیا» و انجام کودتاها پیون ۲۸ مرداد شهرت پلیدی دارد.

پروپاگاندا هزیم! از آن حضرت انصاف می‌خواهم آیا ملت بردار ایران که با تحمل شداید محرومیت‌های یاس آور تا کون توانست است در مقابل تبلیغات قوی و انقلابی ایستادگی کرده و اسباب زحمت دنیا را فراهم نیاورد قابل تحسین و تقدیر هست یا نیست؟! ۲۱

اینک در پاسخ پیام مشترک ترومن و چرچیل می‌نویسد: «در وضع کنونی ملت ایران در راه در پیش دارد که باید یکی را اختیار کند: یا باید کوشش و سعی در اصلاح اوضاع اجتماعی و بهبود حال طبقات محروم کند که غیر از تحصیل تولید نفت به طریق دیگری میسر نیست یا اگر این راه همچنان مسدود بماند باید به جرات احتمالی آینده که به زیان خلق جهانی تمام خواهد شد تسلیم گردید.» ۲۲

صدق پس از کودتای ۲۸ مرداد وقتی در زندان تپ زهری اسیر بود تازه فهمید که منظور امپریالیست‌ها از خطر کمونیسم، خود او هم هست. خطر کمونیسم بهانه‌ای است برای سرکوب نهضت‌های استقلال طلبانه. او در زندان نوشت:

«در سن تپ دول بزرگ [!!!] باید تردید کرد. زیرا کمونیسم با بهانه کرده‌اند برای این که ۴۰ سال دیگر از مردان نفت ما سوء استفاده کند.» ۲۳

باری صدق استراتژی جلب حمایت امپریالیسم آمریکا را با تهدید به «خطر کمونیسم» با شدت ادامه می‌داد ولی در لندن و واشنگتن می‌دانستند که ایران را «خطری» تهدید نمی‌کند.

تلاش صدق برای جلب همکاری آمریکا، چنان که گفته شد در این ۲۱ بهام صدق به ترومن، مورخ ۳۰ خردادماه ۱۳۳۰، روزنامه کیهان، ۲۲ بهام صدق به ترومن و چرچیل، روزنامه کیهان، ۵ مهرماه ۱۳۳۱، ۲۳ بهام صدق از نفت در نزد ترومن، ترومن حسن صدر، چاپ تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۷، صفحات ۵۴ و ۱۱ - تکرار از است ۲۲ خردادماه، ۲۹ مهرماه ۱۳۳۱ - تکرار از است.

زمان پیش از هزیمت دیگری در گذشته بی فایده بود. امپریالیسم آمریکا نه فقط در مقیاس جهانی مهاجم تر می‌شد بلکه در مورد خاص ایران به توافق‌های پایداری با امپریالیسم انگلیس نزدیک می‌شد. پس از شکست توطئه قوام در تیرماه ۱۳۳۱ و قطع رابطه ایران و انگلیس، شرکت نفت انگلیس بیش از گذشته آماده سازش با انحصارات آمریکایی بود و پیشنهادهای روشن تری برای همکاری می‌داد. کمیت روزولت رهبر عملیات کودتای ۲۸ مرداد اعتراف می‌کند که در همین زمان شرکت سابق نفت از او خواسته است که نقشه سرنگونی صدق را مشترکاً بررسی کند.

روزولت می‌نویسد: «صدق مناسباً دیپلماتیک با انگلستان را قطع کرد... یک هفته بعد من در تهران بودم... ماه نوامبر [آبان] هنگام بازگشت از تهران به کشورم از لندن گفتم. شرکت نفت ایران و انگلیس با من تماس گرفت. سخنگوی آن‌ها کوربان [سرجون کوربان] بود. آن‌ها به هیچ چیز جز برانداختن صدق نمی‌اندیشیدند... توضیح دادم که این‌جا برخی از مسائل مهم است که باید با دولت من بررسی شود... گفتند این مسائل بارها در این‌جا و آن‌جا بررسی شده است... آنان همان وقت نقشه آماده‌ای برای نبرد داشتند. با دقت بررسی کردیم. بعداً تعداد شرکت کنندگان در بررسی روز به روز زیادتر می‌شد... نقشه آن‌ها این بود که به همراه امپریالیست‌های این کار کنند و نه علیه او... اصلی آن‌ها در ایران رابطه نزدیکی با دربار داشتند... درباره ارتش ارزیابی آن‌ها شبه ارزیابی من بود...» ۲۵

سیاست عمومی چرچیل - ایمن که همکاری همه جانبه و حفظ روابط ویژه با امپریالیسم آمریکا و حفظ منافع استعماری انگلیس از طریق تقسیم آن با انحصارات آمریکایی بود، در این زمان در مورد نفت ایران وارد مرحله اجرایی مشخص تری شد. در ملاقات‌ها و تماس‌های مکرر میان محافل آمریکایی و انگلیسی، توافق شد که کسرسیومی از انحصارات آمریکایی و شرکت سابق انگلیسی نفت و شرکت شل برای تسلط نفت ایران تشکیل شود. مواقت انگلستان با این نقشه تصمیم آمریکا را درباره صدق قطعی کرد:

یا صدق با این پیشنهاد مواقت می‌کند و یا سرنگون می‌شود. ناپی گیری صدق نه فقط در سیاست خارجی بلکه در سیاست داخلی نیز وجود داشت و استعداد سرنگینی به جنبش می‌زد. صدق، چنان که گفته شد پس از سن ام تیر چندین ضربه سنگین به محافل ارتجاعی و ضد ملی که در دربار جمع آمده بودند وارد کرد: گروهی از درباریان توطئه گر را از کشور راند، بخشی از نیروهای نظامی کودتاچی را پراکند، تنی چند از امراء لشکر را بازنشسته کرد، در مجلس سنا را بست و... ولی در همین‌جا ایستاد و حتی گامی چند عقب نداشت. آن‌هایی را که دستگیر کرده بود آزاد کرد، بازنشنگان را به پست‌های سفارت و نان و آب دار گماشت. و امکان داد که مجلس سنا با حضور گروه‌های ناراضی هیأت حاکمه جلسات منظمی در منازل خصوصی تشکیل دهد و توطئه‌گری بردارد.

در مبارزه صدق با این پنهان‌ها مواقت می‌کند و یا سرنگون می‌شود. ناپی گیری صدق نه فقط در سیاست خارجی بلکه در سیاست داخلی نیز وجود داشت و استعداد سرنگینی به جنبش می‌زد. صدق، چنان که گفته شد پس از سن ام تیر چندین ضربه سنگین به محافل ارتجاعی و ضد ملی که در دربار جمع آمده بودند وارد کرد: گروهی از درباریان توطئه گر را از کشور راند، بخشی از نیروهای نظامی کودتاچی را پراکند، تنی چند از امراء لشکر را بازنشسته کرد، در مجلس سنا را بست و... ولی در همین‌جا ایستاد و حتی گامی چند عقب نداشت. آن‌هایی را که دستگیر کرده بود آزاد کرد، بازنشنگان را به پست‌های سفارت و نان و آب دار گماشت. و امکان داد که مجلس سنا با حضور گروه‌های ناراضی هیأت حاکمه جلسات منظمی در منازل خصوصی تشکیل دهد و توطئه‌گری بردارد.

بسیاری چیزها گفته شده اما باید توجه داشت که صدق ضعیف النفس و حلیم نبود. او آن‌جا که می‌خواست می‌توانست بسیار هم قاطع و قوی عمل کند. گذشت او از منافع طبقاتی و از محاسبات سیاسی اش سرچشمه می‌گرفت، همان محاسباتی که او را به حمایت از منصور و... واداشته بود.

با توجه به این توافق‌های پنهانی و طبق همان نقشه‌ها بود که پس از قطع رابطه با انگلستان توطئه ضد صدق در مقامات بالای حکومت شدت یافت، محیط سیاسی متشنج تر شد و پس از انحلال مجلس سنا و مرکز نقل پنهانی توطئه‌ها علاوه بر دربار پیش از پیش به سفارت آمریکا و اداره اصل چهار و مرکز نقل علی آن به مجلس شورا منتقل شد. سیاست ارتجاع و امپریالیسم در این لحظه مبادرت از این بود که:

«به صدق همان تفهیم و آسوده‌اش نگذاریم.» ۲۶ مجلس برای آسوده نگذاشتن صدق قانون بسیار مناسبی بود. زیرا هر روز تعداد جدیدی از بهران جبهه ملی و نمایندگان هوادار صدق از او جدا شده به اردوی دشمن می‌پیوستند و با انواع بازی‌های پارلمانی مانع کار صدق می‌شدند. برای نشان دادن جو حاکم در مجلس و طرز رفتار آن با صدق کافی است که یادآوری کنیم که روز قطع رابطه با انگلیس اکثریت مجلس از حضور در مجلس خودداری ورزید و مجلس را تعطیل کرد تا گزارش صدق در جلسه علنی و رسمی خوانده نشود و قطع رابطه رسمیت پیدا نکند.

صدق توجه داشت که جبهه قوی علیه صدق در مجلس از همان فردی می‌آم تیر تشکیل شد. وقتی بر اثر پیروزی قیام می‌آم تیر صدق به نخست وزیر رسید جناح راست جبهه ملی که قبل از حوادث تیرماه در برابر صدق صف بسته بود، از فرصت استفاده کرد و در اتحاد با درباری‌ها مواضع حساس مجلس را به دست گرفت: بقایی، رئیس کمیته تحقیق درباره حوادث می تیر شد، بهداری، میراشرافی، و الوفاقری و امثال آن‌ها در هیأت رئیسه مجلس جا گرفتند. به عبارت دیگر پیروزی می‌آم تیر میان صدق و مخالفین او در جبهه ملی تقسیم شد و جناح مخالف در مجلس سنگر گرفت. دشمنان صدق با زرنگی خاصی آیت الله کاشانی را به ریاست مجلس انتخاب کردند تا بتوانند مقابله مجلس و دولت را به صورت مقابله کاشانی - صدق درآورند. این امر به ویژه پس از آن که صدق از مجلس استعفا گرفت اهمیت بیشتری کسب کرد. زیرا موافق اختیارات، صدق مجلس را کنار می‌گذاشت و آن‌هایی که کاشانی را به قبول ریاست مجلس برانگیخته بودند می‌توانستند هر بی‌اعتنایی صدق به مجلس ارتجاعی را به صورت بی‌اعتنایی صدق به شخصیت کاشانی جلوه دهند.

در روزهای بلافاصله پس از می‌آم تیر جلیلی این دو جبهه چندان آشکار نبود. برعکس، آیت الله کاشانی دوراندیشتر قوام و روی کار آوردن صدق پیش از همه محافل جبهه ملی رزمیده و قاطعیت نشان داده بود و لذا پس از پیروزی می‌آم تیر می‌بایست اتحاد آن‌دو محکم‌تر باشد. اما نفاق افکنان و خونیکاران مجال نمی‌دادند. و از اختلاف سلیقه‌ها و تفاوت در شی و حتی ملاقات شخصی جداگانه استفاده می‌کردند تا صدق و کاشانی را از هم جدا کنند. برای امپریالیسم خطری بزرگتر از اتحاد نیروهای ملی ضد امپریالیستی نیست و این اتحاد قطب با درک و مراعات

اختلاف سلیقه‌ها ممکن می‌شود و نه تحمیل یکی بر دیگری. حزب توده ایران در این زمینه هم تلاش صادقانه‌ای داشت. ما از این که کاشانی از جنبش ملی دور شود غمناک نبودیم. برعکس، می‌کوشیدیم که پیوند او را با جنبش تحمیل کنیم. مطبوعات حزبی ما به آیت الله کاشانی توجه می‌کردند و هر اقدام مثبت او را مورد تأیید قرار می‌دادند. برای مثال می‌توان از روش خلق (پسوی آینده) ۲۵ شهر یومراه ۱۳۳۱ یاد کرد که مصاحبه آیت الله کاشانی را با روزنامه احرام چاپ دمشق در جای برجسته و با احترام فراوان چاپ کرد.

آیت الله کاشانی با شرکت در اتحادیه‌های دفاعی خاورمیانه مخالفت. مذاخلة انگلیس را در امر نفت ایران می‌انگاشتنی دانستند... آیت الله در مصاحبه با احرام گفتند: آزادی بالاترین منتهی است که خداوند متعال بر ملت اعطا می‌فرماید. دیانت اسلام ملت را به مشورت و حکومت مشورتی دعوت کرده است... ما هنوز از زیر تأثیر کابوس انگلیس آزاد نشده‌ایم... چه طر ممکن است یک استعمار جدید (آمریکا) را جانشین استعمار قدیم سازیم... دول اسلامی نباید در اتحادیه‌های تجاویز کار مناخله و مشارکی

مراجعات مکرر حزب ما هم برای تشکیل جبهه متحد ضد استعمار فقط متوجه صدق و هوادارانش نبود. ما مسلمانان متحد ضد استعماری را هم که زیر رهبری کاشانی بودند به اتحاد دعوت می‌کردیم. دشواری کار آن‌جا بود که جناح کودتاچی بقایی - زاهدی از فردی توطئه ۱۵ بهمن ماه ۱۳۳۷ می‌کوشید آیت الله کاشانی را به سوی خود جلب کند و از نفوذ او بهره گیرد. آنان کوچک‌ترین فرصتی را برای جدا کردن صدق و کاشانی از دست نمی‌دادند. در روزهای پس از می‌آم تیر نیز با این که دست خود ایشان تا برقی به خون شهیدان سی تیر آخته بود با زرنگی خاصی دور کاشانی را گرفتند و کوشیدند او را در برابر صدق بگذارند.

کشف توطئه کودتای نظامی در شهر یومراه ۱۳۳۱ بهانه جلیلی برای تشدید خصومت صدق و کاشانی شد. زاهدی و بقایی که در این کودتا دخالت مستقیم داشتند کوشیدند پای آیت الله کاشانی را به میان کشیده او را در کنار خود مقابل صدق بگذارند.

سرلشکر زاهدی وقتی به شرکت در کودتا متهم شد ضمن این که با اعلامیه شدیدالمنی صدق را کوبیده و خود را به مثابه نامزد نخست وزیر برجسته می‌کرد طلب کرد که کمیونی با شرکت آیت الله کاشانی به اتهامات او رسیدگی شود. دربار نیز فرصت را از دست نداد. بی‌اعتنایی صدق به آیت الله کاشانی زمینه مناسبی بود برای تفتین روزنامه‌ها از تماس‌های مداوم وزیر دربار با کاشانی خبر می‌دادند: «از ده روز پیش حسن علا وزیر دربار و ارتش برون سوئسی [امپراتور شور انگلستان مقيم دربار پهلوی که بعدها در لندن نشان امپراتوری گرفت.] به خالیت‌ها و ملاقات‌های مشکوکی مبادرت ورزیده‌اند.

بیشترین ملاقات‌ها با نمایندگان مجلس است. به همین جهت مطمئن عقیده دارم که دربار می‌خواهد بلوکی در پارلمان برای خود تشکیل دهد تا در موقع لزوم به عنوان خبره‌ای علیه دولت از این جبهه استفاده شود.» ۲۸

رابطه شاه و آیت الله کاشانی کاملاً حسه است. اغلب ملاقات‌های صورت می‌گیرد... اغلب اوقات علا حامن پیام‌های شاه است.» ۲۹

فصاحت نفاق افکنانه امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی و اعمال ایرانی آن‌ها سبب اشتقاق و انشباب در سازمان‌های وابسته به جبهه ملی شد. هم حزب ایران و هم حزب به اصطلاح زحمتکشان شکست و از هر یک جناحی آشکارا به سوی دربار رفتند و خود را هوادار کاشانی نامیدند و جناحی موقتاً با صدق ماندند. تا در فرصت دیگری خیانت کنند.

انشباب در حزب زحمتکشان ۲۱ مهرماه ۱۳۳۱ اعلام شد. جناح بقایی که در کودتا شرکت داشت متهم بود که با سرلشکر زاهدی و قوام بند و بیست دارد و جناح مقابل آن که با نام خلیل ملکی شناخته می‌شد متهم بود که: با توماس - مأمور انتلیجنس سرویس انگلیس - تماس گرفته است. در لحظه موجود بقایی ظاهراً با کاشانی بود و ملکی ظاهراً با صدق (چنان که خواهیم دید ملکی نیز به توبه خود چند ماه بعد شاه ملاقات کرد و به کودتاچیان پیوست) انشباب در حزب ایران نیز روی داد. در بهمن ماه بخشی از آن جدا شد و به دنبال کاشانی رفت و بخشی دیگر با صدق ماند.

یکی از رهبران جبهه ملی که در این زمان به صدق پشت کرد و سروصدایی به راه انداخت بوسف مشار است که در جلسه ۱۱ آبان‌ماه ۱۳۳۱ مجلس، درستی تصمیماتی را که به صدق صدق و علیه دربار و انگلستان گرفته شده بود مورد تردید قرار داد و مدعی شد که نمایندگان مجلس یا «مربعین» و یا «مجنوب» و لذا تصمیمات مجلس معتبر نیست. با جدا شدن مشار از صف صدق، تا آن لحظه اکثریت قاطع کاشانی که ۳ سال پیش پایه «جبهه ملی ایران» را گذاشته بودند آشکارا از آن جدا شده و در سنگر دشمن قرار می‌گرفتند و نشان می‌دادند که هواداری مقدماتی آنان از ملی شدن نفت و مبارزه با امپریالیسم فقط در چهار چوب معینی و به معنای محدود «افزایش درآمد» یا همکاری آمریکا ارزش داشته است. تمیز جبهه ملی و جدا شدن تدریجی و گروه گروه رهبران آن از صدق و پیوستن شان به سنگر دشمن بازتابی بود از تخریبی که در پایه طبقاتی حکومت صدق حاصل می‌شد. ملائیک لیبرال و عناصر بورژوازی که در آغاز با جبهه ملی همکاری کرده بودند با درک این مطلب که تا تأکید اصل ملی شدن نفت به معنای انجام انقلاب ملی و دموکراتیک است، به وحشت می‌افتادند و حساب خود را جدا می‌کردند. به ویژه گسترش نهضت‌کارگری و آغاز جنبش‌های دهقانی برنگرانی آن‌ها می‌افزود.

۲۷ - روش خلق به جای پسوی آینده، ۲۵ شهریورماه ۱۳۳۱.
۲۸ - روزنامه عبور، نقل از خوانندگیا، ۲۳ آبان ماه ۱۳۳۱.
۲۹ - روزنامه مرداسا، نقل از خوانندگیا، ۱۲ آذرماه ۱۳۳۱.